



تجدید وحدت

ارگان نشریات گوناگون حزب وحدت اسلامی افغانستان - کابل

شماره (۳۳) سال سوم قوس ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۳ میلادی

حماسه تاریخی ارزگان

در حالات ظهیرالدین محمد بابر موء...
امپراطوری دوصد ساله مغول هادرشه قاره هند
چنین آمده است که در کتاب (ایران و بابر صفحه
۴۵۹ میخوانیم)
صفحه ۵

خاطره از دوران جهاد

شعر معاصر افغانستان



متن مصاحبه استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با خبرنگار تلویزیونی پیام آزادی

متن سخنرانی علامه استاد یعقوب علی توسلی در کنفرانس فلسطین کشمیر بوسنیا

گزارشات، خبری دید و بازدیدها

مرکز ولسوالی طیوره ولایت غور بتصرف حزب
اسلامی در آمد

نیروهای شورای نظار بامدافعان حزب وحدت
در چند اول درگیر شدند:

نایب سفیر جمهوری اسلامی ایران در کابل با
استاد مزاری ملاقات نمود:

جمعی از مسئولین بلندیایه ولایات ارزگان با
استاد مزاری دیدار نمودند:

نمایندگان حزب وحدت اسلامی روز سه شنبه
۹۹ ر ۱۳۷۲ وارد خارطوم شدند

اعضای شورای مرکزی در ضیافتی که از سوی والی
بغلان ترتیب یافته بود شرکت کردند

مهاجرین افغانی مستقر در ایران میتوانند از طریق هوا به کشور بازگردند.

مسئولیت پذیری از نظر اسلام

قسمت دوم

صفحه ۶

مقاومت و پایداری وار در مرحله نونینی
اززندگی مبارزاتی خویش شده و بگبار
دیگر پس از پیروزی و حاکمیت مجاهدین
ور هبران احزاب و گروههای اسلامی کشور

۵- آزمایش مجدد :

اینکه که مردم مسلمان و سر
فراز افغانستان بایشت سر گذاشتن
دوره طولانی جهاد و مبارزه و ۱۴ سال



نابسامانیهای فکری و اجتماعی

گرچه درین شماره قصد بر آن بود تا
تشدیدی ازین بست کشنده در حل معضلات
کشور داشته باشیم ، اما رسالت بر آن میدانیم
که بر حسب ضرورت و نیاز سخن بمیان آوریم
تا شاید ذره از مشکلات مردم خوب خود
بکاهیم و قطره راهنما باشیم و هم وظیفه داریم
در دفاع از حریم مقدس جامعه و حزب محبوب
مردم خود که اثرات تمام آرزوهای وجود آورده -
اند و با تمام هستی از آن حمایت کرده اند
و تاپای و جان مردانه و از استوار همانند
کوههای سربلک کشیده ایستاده اند، قرار
داشته باشیم و بیکره زخم خورده ملت مظلوم
خویش را از گزند چپ و راست نجات بخشیم
ولی متأسفانه با خبر شدیم کسانی چند از -
تبار و کیش خود ماتیشه و تبر بردوش گرفته
میخواهند درخت نوبار وحدت مردم مسارا
آسیب رسانند و آن اینکه کاغذی از علمدار رود
کوئته پاکستان بدست ما افتاد که ظاهر آن
شکل نشریه ای را بخود دارد و در آن مقالاتی
بچاپ رسانده اند تحت عنوان (هزاره جات
در چنگال گوند ها) که از سوی عده انگشت
شمار آشنان نشر و پخش گردیده که در آن از دروغ -
های شاخدار گرفته تا بلند پروازی های بیشمار
صفحه ۲

آنچه درین شماره میخوانید

- نابسامانیهای فکری و اجتماعی
- حماسه تاریخی ارزگان
- خاطره از دوران جهاد
- شعر معاصر افغانستان
- متن مصاحبه استاد (مزاری)
- متن سخنرانی استاد توسلی
- گزیده اخبار و رویدادها
- مسئولیت پذیری از نظر اسلام



تابسامانیهای فکری و اجتماعی

وحقیقت هائی هم هفته است پس مجبور شدیم قضیه را تحت بررسی قرار دهیم و این کار را نه بخاطر آن میکنیم که انتقاد ایشان از اهمیت بر خور دار است ، بلکه به این فکر افتادیم که تاهنوز مناه سفانه در جامعه ما خلافت و تابسامانیهای فکری و ذهنی نیز وجود دارد که نگاهانه و ناگاهانه اب در کوزه دیگران می ریزند ، چراکه تضعیف حزب وحدت ، تضعیف مردم رنج دیده ما است که بسود دشمنان ما تمام میشود ، درون این مقاله هر چه باشد یا نباشد و دارای مطالب ضدونقیض است ، اما عنوان این نوشتار نشان میدهد که دوستان اشناى ماعقده حرکت میکنند ، زیرا عنوان (هزاره جات در چنگال گوندها) چه تصویری از سیمای هزاره جات در ذهن يك خواننده ارائه میدهد ؟ و اطلاق این عنوان بر هزاره جات آیا انکار انهمه کارنامه درخشان وحدت ملی در طی چهار سال نیست ؟ ۱۱؟ عجیب اینجا است ، اگر هزاره جات آنگونه در چنگال گوند ها باشد ، پس این همه رشادت ، پایمردی و ایثار که همه دنیا از مردم ما مشاهده میکنند از کجا است ؟ ۱۲؟ آیا نیرو و هیکه در کابل برای سرنوشت و حیات سیاسی و اجتماعی مردم ما دست از همه چیز کشیده اند از هزاره جات نیستند ؟

لذا انتشار چنین نوشته ها قبل از اینکه اشک تمساحی برای مردم ما باشد ، تلاش برای ایجاد جای پای است و الا صدر در صد درین شرایط حساس و سرنوشت ساز جنبه تخریبی دارد ، اگر نویسنده این مقاله لاف و گزاف و محبت هزاره بودن را میزند و خود را تافته ، جادا یافته از ملت غیور هزاره نمیدانند و انبست که با خصلت تخریبی حرکاتشان را استوار سازند و باید که کشیدن نام بسیار گنده (حامی ملیتهای محروم) تیشه به ریشه مردم خود بزنند و به مسئولین عزیزى که ۱۵ سال تمام در میان خون و آتش بسر برده اند توهین نمایند بلکه میتوانند در فضای بازی که حزب وحدت اسلامی بوجود آورده کمر همبست و مردانگی محکم بسته و در صحنه پیکار سرنوشت حضور یافته پیشنهادات و انتقادات سازنده خود را به شورای رهبری حزب وحدت ارائه دهند و به نق و نق اکتفا نکرده بگویند چنین نشده و چنان نگر دیده ، این از انصاف بدور است که در بیرون مرزها به انانیکه حماسه ها آفرینند و طلسم روزگار را شکستند و در میان خون و آتش و فقر همه جانبه زندگی مینمایند بی سروبی با انتقادات واهی و بی اساس نشرو پخش نمود .

بمنظور اینکه خواننده گان گرامی مناه بدانند که چه گفته اند ، خلاصه و چکیده از انتقادات که بر حزب وحدت و مسئولین آن وارد کرده اند چنین است .

" باتشکیل حزب وحدت اسلامی و گسترش روز افزون آن در هزاره جات ، این امید کم کم در دل های مردم جوانه زد ، روئید که شاید با دهای تغییر بنیادی وزیدن بگیسرد و این کشتی حیات مردم ما را که طوفان حوادث در هم کوبیده است ، بسوی ساحل نجات ناخدائی باشد مطمئن تا زندگی را در آن ظلمت زده و آفت گزیده بازگرداند اما افسوس ! که مسئولین حزب وحدت تا حال چنین نکرده

در هزاره جات در جهت پرورش مردم سازی کار نشده ، نام گروه های قدیمی تاهنوز محسو نشده بایسوند منحله یاد میگردد و بخاطر قدرت و منافع شخصی مشغول تقویت دار و دسته خود میباشند و تا حال کام محکم و اصولی در راه ساختن هزاره جات نوین و ترمیم تابسامانی ها و آماده نمودن مردم در جهت حضور فعال در تعیین سرنوشت برداشته نشده و کسی اگر عضو احزاب منحله نبوده باشد نمیتواند بدون باج و خراج زندگی کنند " و چندتا فحش و ناسزای ادبی دیگر ...

خواننده گان گرامی و ملت غیور و مظلوم ما بخوبی میدانند که چندین صد سال لگدمال شده اند و در تمامی عرصه ها بسرد محو و نابودی کشانده شده که هر عقل سالم قبول نمیکند که به این زودبها همه چیز از دست رفته جبران شود و از حق نگذریم که حزب وحدت اسلامی وارث يك خرابه بیش نبوده و از سوی دیگر درین مدت چهار سال و اندی که از عمر پسر بارش می گذرد ، با کوهپهائی از آتش جنگ های ویرانگر و خانمانسوز تحمیلی دشمنان گوناگون که هر کدام قصد محو و نابودی ملت ما را در سر می پرورانده و به دریاهائی از مشکلات اقتصادی و صد ها پرابلم های دیگر اجتماعی مواجه بوده و دست و پنجه نرم نموده که بحمد الله پیروز و سرخورد میدان ایستاده است ، با اینک که دشمنان قسم خورده ملت ما همیشه و مداوم بر مقدرات کشور حاکم بوده و کمک های سرشار بین المللی را نیز در طول دوران جهاد قاپیده است ولی امروز حزب پرافتخار وحدت اسلامی دست آورد های عظیمی برای ملت و مردمش کمائی نموده و بعنوان بزرگترین قدرت سیاسی و نظامی در کشور محسوب میگردد که بدون حضور آن در تعیین سرنوشت کشور هیچ قدرتی نجی تواند تصمیم بگیرد و اگر هم بگیرد همانند گذشته ناکام خواهد بود ، آیا این دفاع مقدس که منجر به بزرگی و عظمت ملت ما شده و هویت گذشته و تاریخی خود را باز یافته کار محکم و اصولی بحساب نمی آید ؟

جای شك و تردیدی نیست که با توجه به پرابلم های عدیده و فقدان منبع مالی درست است که در هزاره جات تا حال بهشت فاضله ساخته نشده تا دوستان خوب ما از بهشت بیرون

مرزها با ذخائر و درآمد های سرشاری که دارند زمانیکه همه مشکلات تا حال شد و مسئله مرگ و زندگی رفع گردید ، بایک پرواز به بهشت هزاره جات بروند ، بخدا قسم حزب وحدت همین ارزور دارد ، اما واقعیت آنست که بار حوادث بسیار سنگین است و مجال چنیین مسائلی میسر نشده ، از اینک با مسئولیت بدوش آنان است وعده خاصی تماشاگر ، مسلم است که سنگینی آنرا درک نمیکند و با اصطلاح در " غندی " خیر نشده یاوه سرائی مینماید ، برآورده شدن تمام آرزوهای ملت ما کار و زحمت فراوان و زمان مناسب و پول و بودجه کافی می خواهد ، اگر کسی خود را درین آرزو ها شریک میدانند ، امروز روز و بیروزی نیست ، بلکه همت عالی و والائی میخواهد تا عملا " آستین غیرت را بالا زده در هر زمینه ای که میتوانند برای مردمش کار کنند ، نه اینکه از کاه کوه بسازند نویسنده مقاله مذکور مینویسد " در هزاره جات گوند بازی است وعده دنبال منفعت شخصی است و تابسامانیها ترمیم نشده که این يك

فاجعه است ...

نویسنده عزیز حزب وحدت اسلامی هرگونه (کر) بازی و پارتی سازی را چه در درون هزاره جات چه در بیرون مرزها در میان ملت خود برخلاف مصالح مردم خود میدانند و اگر هر شخص و اشخاصی در راستای منافع شخصی اش دست به چنین مسائلی بزند خائین ملی میدانند ، چه در بیرون ملت و چه در بیرون ما که ازین مراحل بیخ و خم گذر نموده و در حال عبور است ، بحساب این خواهد رسید که در هزاره جات بحمد الله چنین وضعی وجود ندارد و هر روزی که می گذرد شاهد محو آثار شوم تفرقه هستیم و اگر عناصری هم انگشت شمار تاهنوز بوده توسط خود مردم کيفر شده و پیا خواهد شد ، لذا برداشتی که از هزاره جات در مقاله مذکور بعمل آمده اشتباه محض است و واقعیت غیر از اینست ، همچین ادعا نموده اند که در هزاره جات غیر از افرادیکه باج و خراج به (گوندها) میدهند ، کس دیگری نمیتواند زندگی کند که این يك دروغ شاخدار است علیرغم ناامنی و بی عدالتی در کل کشور تنها امنیت کاملی که وجود دارد در هزاره جات است و هر شخص و اشخاصی که مرض و غرضی نداشته باشد از آذانه میتواند زندگی کنند .

با این وصف فاجعه آن نیست که بعلمت های گوناگون مطابق آرزو و آرزو آمان کار نشده بلکه فاجعه این است ، آنانیکه سنگ روشن بینی ، دلسوزی و ... مردمش را به سینه می کوبند نه موقعیت را درک میکنند و نه واقعیت ها را می پذیرند و همیشه در يك بحرانی از توهم بسر می برند ، چون میدان عمل ندیده از مرکز قوه تحلیل سخن میزنند ، میدان عمل چیز دیگر است ، اندیشه های فرمولیته و خشک قابل تطبیق نیست ، اگر کسی باور ندارد و هوائی در سر دارد میدان عمل باز است ، ما متعهد میشویم هر فرد و جمعی با هر گونه طرح و تخصصی که مفاد ملت ما را در برداشته باشد زمینه کاری را در هزاره جات میسر سازیم ، با امنیت تمام بروند اینجا خود مجری طرح خود باشند و الا زمان آن نیست که مردم مآلاف و گزاف و مقاصد انانسی را که صرف شعار میدهند نفهمند .

پایان

بقیه از : صفحه ۱۲ - اخبار و رویدادها

طهران کابل از صدوبیست و پنج دالربنه دوصد دالر
طهران کابل از سه صد و بیست و پنج دالربنه دوصد الر کاهش یافته وی ادامه داد مقدمات پرواز طیارات کابل ، مشهد نیز در دیدار با مسئولین هوانوردی جمهوری اسلامی ایران فراهم شده است و با اعزام يك هیات از افغانستان به ایران پرواز های این مسیر آغاز خواهد شد وی قیمت تکت کابل مشهد را (۱۵۰) دالر ذکر نمود
وی اظهار داشت در صورتیکه پرواز های کابل مشهد به ازدحام مسافرین روبرو شود این پروازها هفته دوبار انجام خواهد شد لازم به یاد آوریست طی ملاقات چندی قبل استاد خلیلی با مقامات ایران توافق بعمل آمده بود که مهاجرین افغانی بدون پاسپورت و با نامه وزارت داخله ایران میتوانند از طریق هوا به کشور بازگردند .



متن مصاحبه استاد مزاری

استاد مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان روز دوشنبه ۹ ۲۲ خیرنگار تلویزیون پیام آزادی را بحضور پذیرفت و به سئوالات آنان در زمینه های مختلف مسائل و اوضاع جاری کشور پاسخ گفتند:

س: محترم عبدالعلی مزاری دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان در مورد انتقال اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی توسط هلیکوپترهای شورای نظار به شهر کابل بطور ناگهانی یک سلسله انگیزه ها و تظاهرات را در بین طبقات سیاسی جهادی برآوردند. در این مورد بطور مفصل روشنایی اندازید.

ج: بسم الله الرحمن الرحيم، حزب وحدت اسلامی از اول تا سبیس شورای مرکزی در بامیان بوده و مقرش در بامیان بود، بعد که کابل آزاد شد تا سال گذشته برادران ضرورت دیدند که شورای مرکزی در بامیان باشند در کابل باید شورای تصمیم گیری بوجود آید بعد مشکلات جریانات و جنگهای که در کابل پیش آمده و حساسیت که در شرایط فعلی در کابل است، سه چهار ماه پیش برادران به این نتیجه رسیدند که شورای مرکزی حزب را در کابل بیاورند، زیرا تصمیم گیریهای که در کابل صورت میگردد وضعیت حساسی که وجود دارد ضرورت ایجاد میکند که مرکزیت در اینجا باشد، بعضی اوقات راه از نظر امنیت مساعد نیست و بند می شود و بعضی مشکلات دیگر ارتباط بامریکز بامیان را بامشکل مواجهه میسازد، روی این مسئله سه ماه پیش هیات از بامیان به کابل آمد و ضمن بررسی های همه جانبه تصمیم گرفتند که شورای مرکزی بیایند در کابل و یک شورای تصمیم گیری در بامیان بوجود بیاید برای اداره مناطق هزاره جات و این همزمان بود به همان وقتی که مجدداً بین ما و شورای نظار توسط جنرال دوستم آتش بس برقرار شد و هیات حایل آمد بین ما و شورای نظار طی صحبت های با شورای عالی نظارت و تصمیم گیری و هیات شورای مرکزی متفقاً به این نظر رسیدند که شورای مرکزی از بامیان به کابل منتقل شوند، بعد این را پیام دادیم به شورای مرکزی و ضرورت هارا منعکس کردیم و شورای مرکزی بامیان اینرا مصوبه کردند که شورای مرکزی باید منتقل شود، اما تاریخ انتقال را تا آخر انداخته تا در آنجا شورای تصمیم گیری بوجود بیورد، همان وقت تازه ما آتش بس کرده بودیم و نیروهای حایل جا بجا شده بود و کمیونیتی بین ما و شورای نظار بوجود آمده بود و هیات بامیان توسط طیاره از اینجا بطرف بامیان رفتند بعد از بحث و گفتگوی شورای مرکزی مصوبه شد که تاریخ انتقال شورای مرکزی به کابل باید ۱۵ میزان باشد و در این مدت چون مناطق مرکزی هزاره جات وسیع است و ولسوالی ها فعال نشده است احساس در هزاره جات بوجود آمد که مبادا بیا رفتن شورای مرکزی از بامیان به کابل از نگاه اداره ضعیف شوند، امکان دار دن آرا می بوجود بیاید، روی این ملاحظات و مسائل دیگری تعدادی پیشنهاد داشتند که شورای مرکزی انتقالش به تاخیر بیفتد و یا جلوگیری شود در این رابطه در تاریخ ۸ عقرب مجدداً عده ای از علما، بلند پایه مادوباره برای انتقال شورای مرکزی به بامیان رفتند و با مردم صحبت

کردند تا قناعت شان را در این زمینه فراهم آوردند و برای آنان گفته شد که امنیت شان بهم نمی خوردند و شما باید قبول کنید که شورای مرکزی بیایند به این جاهیتی که از این جا فرستادیم باز هم توسط طیاره هلیکوپتر انتقال دادیم در بامیان و موافقت شد که در ۲۵ عقرب هیات ما مشترکاً با شورای مرکزی به کابل بیایند، بعد از این توافق تماس گرفتیم با کمیسیون مشترکی که داشتیم طیاره گرفتیم و فرستادیم و این یک چیز طبیعی بود، چیزی هم نبود مدت آن به سه چهار ماه می رسید از وقت که آتش بس بین ما و شورای نظار برقرار شده بود و نیروی حایل مستقر گردیده استکاک بین ما و شورای نظار بوجود نیامده و از طرف دیگر طیاره که وجود داشته مال دولت است و ما هم در این دولت شریک هستیم وزراء ما در کابینه دولت هستند و طیاره مال ملت است و در خدمت ملت باید باشد و هیچ تنظیم سیاسی حق این را ندارد که آنها را حق انحصاری خویش بحساب آورد و مال شخصی کسی نیست این مسئله کاملاً یک امر عادی است که اعضای شورای مرکزی با استفاده از این طیاره به کابل آمده اند ولی رسانه های کمقادر این را غیر طبیعی جلوه داده و کاری جدید و تحولی جدید نبوده.

س: سئوال، من در این رابطه که کمیون اصول اساسی که تقریباً یکی دوماه قبل موظف شده بودند تا قانون اساسی و اصول اساسی کشور را تصویب کنند در این کمیون افرادی از حزب وحدت هم شرکت داشتند ولی بعداً حزب وحدت اسلامی نظریه ملاحظاتی که داشت افراد خود را در آنجا معرفی نکرد و از جمله ملاحظات آن این بود که اینها موادی را در آنجا گنجانیده بودند که مذهب رسمی افغانستان مذهب حنفی است و از مذهب جعفری در آنجا نام برده نشده بود شما گفته می توانید که چگونه میشود از مذهب جعفری هم در قانون اساسی افغانستان ذکر بعمل بیاید؟ و چگونه تطبیق آن را در ولایات مختلف افغانستان چگونه ارزیابی و بررسی مینمائید؟

ج: مادر جریان تشکیل کمیون نبودیم وقتی که از ادبوا اعلام شد خبر شدیم در صورت که شما میدانید در مملکت توافق احزاب دولت رابه وجود آورده است یعنی هر تصمیم که در اینجا فعلاً قانونیت دارد و مردم افغانستان تا حدی خودش را قانع میکند توافق احزاب است موافقت نامه جلال اباد و موافقت نامه اسلام اباد و بعد مسئله دوماهه و چند ماهه حکومت که تشکیل شد توافق احزاب بود و هیچ مرجع قانون گذاری غیر از احزاب وجود ندارد و وقتی که کمیون کار خود را شروع کرد مادر جریان نبودیم و خبر نداشتیم، درست است از افراد ما آنها نفر در نظر گرفته بودند ولی با اجازه حزب وحدت نبوده و حزب وحدت خبر نداشت

و نفرهای ما هم حضور نداشتند یکی در بامیان و دیگری در ایران بود، کمیون کار خود را شروع کرد و بدیهی مسئله بود که عنوان کار کمیون از سوی افراد معلوم الحال از صلاحیت قانونی برخوردار نباشند، در توافق نامه جلال اباد آمده که کمیون انتخابات و شورای عالی نظارت بردولت از احزاب و رهبران احزاب تعیین شود ۱۲ نفر از دانشمندان و مردمان صاحب اعتبار افغانستان در شورای عالی نظارت عضویت پیدا کنند در صورت که ما تا حالا اینجان شسته ایم شورای عالی نظارت بردولت تشکیل نشده است لهذا ما در این کمیون که اول هم از تشکیل آن خبر نداشتیم شریک نبودیم، روی همین ملاحظات مادران شرکت نکردیم و من هم نظر خود را گفتم که از مرجع غیر قانونی بوجود آمده بود و نظرها علاوه بر اینکه کمیون مذکور از مرجع غیر قانونی است، اشکالات عدیده ای دیگری نیز دارد که یکی از آنها مسئله مذهب تشیع بود و در رابطه با مسئله مذهب ما معتقدیم که هر که در این مسئله پافشاری می کند که مذهب رسمی باید مذهب حنفی باشد، مذهب جعفری که پیروان دارد رسمیت نداشته باشد این یک تصور غیر عادلانه است و درست نیست برای اینکه امروز در دنیای کفر جهانی مخالف مسلمانهاست و مخالف بوجود آمدن حکومت اسلامی است، آنها چندان در چهره شیعه و سنی نگاه نمی کنند بلکه امروز تنها حربه ای که آنها دارند و آن استفاده میکنند آن حربه استعماری تضاد شیعه و سنی است که انقلاب اسلامی افغانستان در جهان نمونه بود، انقلاب مسلحانه ای که بر مبنای فکر و عقیده اسلامی ریخته شده باید مسئولین آن این درایت و این روشن بینی را بدین اثبات بکند که این اختلافات فرعی نباید زنده شود و روی این مسئله پافشاری شود، لهذا باید همانطوریکه شیعه و سنی در این انقلاب شریکند در تصمیم گیری آن باید شریک باشند و در دنیا اعلام بکنند و اثبات نمایند که مسلمانها بین خود شان هیچ اختلافی ندارند و از نظر اجرایی چندان مشکل نیست، این دست خارجیان است که مسئله را عمده جلومیدهند که اگر در این جادو مذهب رسمی باشد مشکل اجرایی دارد، نه مشکل اجرایی اینجا وجود ندارد در فقه شیعه و سنی این مسئله حل شده است بعد از نظر جهان اسلام هم مثلاً نمونه های وجود دارد که در اینجا این مسائل را حل کرده اند مثلاً در لبنان این مسئله را دارند، در ایران این مسئله حل شده اند و مشکل اجرایی برای کسی پیش نمی آید و این استعمار خارجی است که این مسئله جزئی را اعلام می کنند تا بین مسلمانها یک مشکل بوجود بیاورند و این یک چیز واضح است که در طول تاریخ افغانستان نه سنی شیعه و نه شیعه سنی شده است و اگر مذهب یک دیگر شان به رسمیت بشناسند شیعه شیعه است و سنی سنی است، طبق فقه شان عمل میکنند



این دیگر ضرورت ندارد که در قانون اساسی این کس بیفتد که این رسمی باشد یا نباشد، چه قبول گردد و بیانگردد هر کس فقهی را که در بیان عمل میکند، بدین جهت که مادر این مسئله مشکل نداریم و توصیه ما به دوستان این است که امروز مشکلات افغانستان مشکلات جهان اسلام بالاتر از این است که ما بیاییم خود را محدود بکنیم به مسئله کشیدگی های مذهبی و کشیدگی های قومی و نژادی، اگر بیاییم تن در دهیم یک حکومت عادلانه اسلامی برقرار میگردد که خواسته همه مردم است و آن خودش این مسئله را حل میکند و تضمین کرده است و حتی در دعای آمده است و مطرح شده است اگر پیرو دود مذاهب بیایند دعوا داشته باشند حال این را در کجا فیصله بکنند، در فقه بطور واضح آمده است که مدعی پیرو هر مذهب است طبق همان مذهب فیصله گردد، پس این مسئله در اسلام سابقه داشته و بوده است بزرگان و دانشمندان اسلامی روی این مسئله فکر کرده و شریعت را بر این راه حل دارد، اختلافاً جزئی فقهی بین تمام مذاهب وجود دارد — مذاهب چهارگانه اهل سنت مانند مالکی شافعی، حنبلی و حنفی در بین خود اختلاف برداشت دارند حالا مذهب جعفری — نوع برداشت خود را دارد، برداشته از متون اسلامی نزد مذاهب مختلف گوناگون است، در حالیکه مشترکات زیادی موجود است، خداوند قرآن مجید، کعبه، پیامبر، سنت پیامبر (ص) و همه اینها مشترک اند و همه اینها را قبول دارند، اختلافات جزئی فقهی باعث نمیشود که اینگونه موجب نفاق و اختلاف شود بدین جهت است که من معتقدم کسانی برای تدوین قانون اساسی آمده اند مطابق با روح اسلام روح جامعه افغانستان حرکت نکرده اند و این از اول غیر قانونی بود، قانون اساسی را باید یک مرجع قانونی تدوین نماید، مرجع با صلاحیت و دارای دانش کافی و تدبیر لازم.

س: قبلاً "ارمعهادات اسلام آباد، جلال آباد و مکه مکرمه ذکر بعمل آورید، ما میخواهیم بطور مختصر از شما بشنویم که عامل وانگیزه های که باعث شکست و ناکامی این معاهدات شده و تا امروز تصمیم جنگ و اختلاف و کشمکش در افغانستان کم نشده است؟ شما در چه مینبید؟

ج: در این رابطه مکرراً "نظر خود را اعلام کرده ام و حالا هم بطور مختصر عرض میکنم که این عدم تعهد رهبران برآمده از شان است اگر رهبران پایبند باشند به تعهداتی که پای آن امضاء میکنند و به آن عمل نکنند مشکل و جنجال افغانستان حل میشود ولی این کار را نکردند و باعث شکست و باعث نا آرامی در افغانستان شدند.

س: بصورت مشخص به نظر شما کدامیک از رهبران قصور بیشتری داشته اند؟

ج: برای مردم مشخص است و هم برای شما که یک تعداد تعهد کرده اند در جلال آباد که در مدت یک هفته بیایند کابل برای تطبیقش ولی نیامدند و خارج رفتند، بعد اصلاحات که بین صلاحیت رئیس جمهور و صدراعظم مشخص شده بود اینها رعایت نشده، شورای عالی نظارت که بنا بود تشکیل گردد تشکیل نگردید این مجموع مسائل هست که اگر رهبران به این تعهدات جویش عمل میکردند، این مشکلات پیش نمی آمد، به همان توافقی که همه توافق کرده بودند پایبند می بودند مسائل تا حدودی

حل میگردد.

س: استاد محترم شما پیشتر فرمودید که روابط شما با شورای نظار به بود یافته و همچنان مسعود در مصاحبه خود با جریده عربی الوطن گفت که روابطش با حزب وحدت اسلامی بهتر شده و در حال بهتر شدن است، آیا این روابط بهتر شدن با شورای نظار خودش یک اثتلاف جدیدی را در جریانات سیاسی بوجود نخواهد آورد؟

ج: ما مکرراً گفتیم که مبنای جنگ در افغانستان نمی باشیم و طرفدار جنگ نیستیم و جنگ را راه حل نمیدانیم از اول ۱۸ ماهی که کابل ازاد شده مادر اینجا بودیم، این مطلب را عملاً پیاده کردیم، ما از نگاه تئوری هم معتقد هستیم که جنگ در افغانستان راه حل نیست، تفاهم راه حل است بر این مبنای هر وقتی که جنگی پیش آمده و بر ما تحمیل شده روزهای اول ما آتش بس را امضاء کردیم، هر کس از داخل پیشنهاد کرد ما میانجی می شویم بین شما پذیرفتیم، کشورهای خارج هم اگر آمدند پاکستان، ایران، عربستان سعودی میانجی شد ما پذیرفتیم، این دلیلی است که ما طرفدار جنگ نیستیم وقتی که طرفدار جنگ نیستیم هر تنظیمی که با ما سر جنگ نداشته باشد ما سر جنگ نداریم، این به معنی آن نیست که ما ائتلاف بکنیم علیه جریان دیگری با یک تنظیم دیگر، لذا از وقتی که پس از توافقنامه جلال آباد هیات آتش بس در اینجا آمد بلا فاصله پذیرفتیم ولی این در ظاهر آتش بس بود ولی شورای نظار با ما جنگ داشت و نظر آن در این بود که در آن جنگ شدیدی که ۱۲ روز طول کشید هزار نفر از مردم غیر نظامی زخمی شدند ولی تا وقتی جنرال دوستم آمد و نیروهای حایل را جایگزین کرد که دو ماه طول کشید چهار هزار نفر زخمی داشتیم، یعنی در ظاهر این مسئله آتش بس بود ولی هر شانها روز اینجا بالای مردم جنگ وجدال بود وقتی که جنرال دوستم نیروها بش آمد جنگ متوقف شد و مادر اینجا کمسیون مشترکی داشتیم که از شورای نظار و حزب وحدت مشترکاً وجود آمده و از طرف جنرال دوستم هم ناظر بود، عین این کمسیون را بین جنرال دوستم و حزب وحدت اسلامی را ما نظارت میکردیم، روی این مسئله درگیری مشخص بین ما و شورای نظار پیش نیامد، آنها جنگ را قطع کردند و آتش بس را رعایت کردند و ما هم رعایت کردیم و طرفدار این هستیم که آتش بس حفظ شود و جنگ نشود و بمعنی اینکه ما ائتلاف سیاسی کردیم نیست، ما با هم تنظیم هار رابطه خوبی داریم و آخرین آتش بس هم بین ما و اتحاد ایجاد شد و کمسیون با شرکت (۶) نفر تشکیل شد و بر دو طرف خودمان نظارت میکنیم و این کمسیون تا بحال از درگیریها کاسته و تصمیم داریم که آتش بس هم حفظ شود.

س: استاد محترم در رابطه با سفر اخیر استاد ربانی به مزار شریف که شما از نزدیک در جریان قرار دارید که بعداً "سفرش را به پاکستان و مصر نیز ادامه داد لطفاً توضیحاتی ارائه بفرمائید؟

ج: مسافرت آقای ربانی به مزار شریف کاملاً غیر مترقبه بود، ما تا وقتی که نرفته بود اطلاع نداشتیم و این قدر خبر داشتیم که نیروهای جمعیت و اتحاد در شیرخان بندر که نیروهای جنبش ملی اسلامی مسلط بود حمله کرده و

منطقه را تصرف کرده بود و تعدادی از افراد جنبش بطرف تاجیکستان رفته بود، در اینجا این را اطلاع داشتیم ولی مسافرت که آقای ربانی به شمال میکند این را اطلاع نداشتیم بعد از اینکه رفت در اینجا مطلع شدیم که با مولوی صاحب محمد نبی محمدی پیش جنرال دوستم رفته اند و منابع جنبش برای ما گفتند که آقای ربانی آمده بود بخاطر درگیری شیرخان بندر و تقاضا کرده که شما آتش بس را بپذیرید و هیات تعیین میگردد و اینجا این مسئله از طریق مذاکره حل گردد و جنبش ملی اسلامی هم آتش بس را پذیرفته و مذاکره ادامه دارد و نتیجه آن اطلاع نداریم که موفق بوده یا نه؟

س: محترم استاد مزاری قسمی که شما پیشتر فرمودید معاهدات جلال آباد و اسلام آباد در عمل بی نتیجه مانده است یعنی عملی نشده از آن جمله یکی از موارد مهم آن مسئله انتخابات بود، این انتخابات دائرنشده، حزب اسلامی اخیراً "طرحی را ارائه کرده که باید در پیس جمهور و صدراعظم و اعضای کابینه همگی استعفا نمایند و بجای آن یک حکومت بیطرف که جریان دوره انتقال قدرت را بدست بگيرد و کمسیون انتخابات را هم همین حکومت تشکیل بدهند، ولی اخیراً "مطبوعات و جرائد کابل و رسانه های گروهی راه حل مشکلات را استعفا حکمتیار و آمدن پیرسید احمد گیلانی در ریاست صدارت عظمی دانسته است ما میخواهیم که نظر شما در مجموع به اینگونه اخباریکه از رادیو و جرائد مطرح گردیده است چیست؟

ج: در رابطه با مسئله بیرون رفت از وضعیت فعلی که ما طرفدار این هستیم که یک حکومت بیطرف باید تشکیل گردد و از اول هم ما این طرح را داده بودیم وقتی که دوران چهار ماهه آقای ربانی سپری شد برای تمدید دوره یک و نیم ماهه یا دو ماهه دیگر که مجلس حل و عقد تشکیل شد در جلسه که پنج تنظیم در آنجا بود این طرح را دادیم هر کسی که در مجلس حل و عقد خودش را کاندید میکند نباید این دوره موقت تمدیدی را عهده دار شود، برای اینکه امکانات دولتی باید به نفع شخص استفاده نگردد، از نظر مجامع بین المللی باید انتخابات یا مجلس حل و عقد زیر سؤال نرود که سوء استفاده شده است، در اینجا پنج تنظیم جهادی طرح ما را قبول کردند و فیصله و مصوبه شد که هر کسی که در مجلس حل و عقد کاندید میشود نباید دوره تمدیدی را عهده دار گردد، متأسفانه وقتی جلسه شورای قیادی تشکیل شد آقای ربانی و سیاف این توافق را شکستند و با این قاعده عمل نشد و نتیجه مطلوب هم نداد، آقای ربانی برای مدت ۴۵ روز تمدید شد و نهایتاً آن مسئله مجلس حل و عقد بود، طوریکه شاهد بودیم خراب از آب درآمد و مورد قبول تنظیم هاهم نبود، حالا هم برای بیرون رفت از این وضعیت فعلی این طرح را می پذیریم باید رهبران جهادی جمع شوند، هم آقای ربانی استعفا دهد و هم آقای حکمتیار استعفا نماید و یک دولت موقت بیطرف تشکیل گردد، زمینه انتخابات ازاد را در مملکت فراهم بکنند و تعهد سپرده شود وقتی که پست دولت موقت را بعهده بگیرد برای بعد کاندید



ار: استاد محقق افشار

حماسه تاریخی ارزگان

" در جنگ بایر بامهندا (پادشاه هلی) - که همسر بایر (نوبهار خانم) همراهش بود جنگ شدت کرد، بایر خواست نوبهار بیه قندهار بر گردد ۲۰۰۰ بایر گفت بیم دارم که سر باریان مهندایه تو عملی نکنند که هیچ شوهر قادریت تصور آن نیست ۲۰۰۰ نوبهار که بار دار هم بود دست در گریبان کرد، گفت بیم نداشته باش اگر من دستگیر شوم با این خنجر گلوی خود را خواهم برید، بایر گفت اگر تو خود را بکشی فرزند مرا که در شکم داری چه خواهد شد، نوبهار گفت حتما " او هم کشته میشود، بایر گفت در کابل شاعران را - دستور دادم شهنامه، فردوسی را تکمیل نمایند به آنها خواهم گفت که نام تو را در شهنامه بکنجاند تا بعد از ما جهانیان بدانند که تو یکی از شیرزبانان روزگار بودی که قصد خودکشی داشتی."

بامقایسه و محاسبه این نکته تاریخی حماسه جاودانه جان بازی چهل دختران ارزگانی روشن میشود که هم در کتب تاریخی درج است و هم سینه به سینه در بین هزاره‌ها این داستان ثبت شده و دهها سال بوده است که در

محافل و مجالس و شب نشینیهای مردم هزاره نقل می شود و از آن افسانه ها ساخته اند و در مناطق دور دست افغانستان کوههای بلند با سم تپه چهل دختران نام گذاری شد و حتی توسط هزاره های مهاجر در بیرون مرز افغانستان انتقال یافت، شاید تپه های چهل دختر که در کشورهای ایران و پاکستان و تاجیکستان نامگذاری شده است از همان قصبه واقعی حقیقت عینی سرچشمه گرفته باشد در کتاب عین الوقایع در شرح قتل عام هزاره ها توسط لشکر امیر عبدالرحمن خان صفحه ۲۶۰ چنین نقل شده است (تاء سف) چهل و هفت نفر از دختران و زنان نیکو شمایل سید و عام بزرگان آن طایفه در مغازه، مقیم شده بودند، سپاه وحشی صفت که بانگ کوه در تفریحی بودند آنها را دیدند و بقصد آنها دویدند آن مه طلعتان انتخاب شده دامن همت و غیرت بگورده پادمان کوه گذاشته در آن کمر سنگلاخ رو پفران نهادند، بجائی رسیدند که قله کوه به اوج چرخ همسری داشت و دیگر محل عبور برای فرار نداشته و زیاده برصد ذرع ارتفاع آن کوه و تاب کمر صاف بود سپاه خونخوار هلهله کنان چون نره دیوان بقصد وصال پریان نزدیک بان ماه رویان رسیدند، نظم:

بقصد غزالان نکوسیه
چو گرگان شدند ارق قاقا حملیه و ر

همه تیغ بر کف تفنگی بدوش
تعاقب کنان جمله اندز خسروش
غزالان به آن کوه بالا بلند
بلاخی سر راه شان گشت بنند

نه دست ستیزونه پای گریه
سراسر با احوال خود اشک ریسه
ز نامحرمان هر یکی در حجاب
بموسایه افکنده برافتاب

یکی گشت پنهان پی لاج سنگ
یکی بود با طالع خود بجننگ
ز زلف پریشان بصورت نقاب
چو ابرسیاه بر رخ ماهتاب

ز بیمی که بر طرف دامن شان
مبادار سد دست نامحرمان
کشیدند افغان بصد شور و شین
بگفتند فریاد رس یا حسین
همه مظطرب حال و گریان شدند
سراسیمه از بیم افغان شدند

بچشم پراز اشک و مژگان تتر
وداعی نمودند بایکدیگر
ز غیرت از انکوه گردون سربزر
فگندند خود را یکایک بر بزر
بر آن سنگ خار اوربگ در شپت
یکی بر سرافتا دو دیگر به پشپت
بهر سنگ بگه قطعه چون بلور
جداشد ز اعضا آن خیل حور

بدا دند جان و ندادند دست
که ناید بناموس آنها شکست
بلی رسم غیرت همین است و بس
نه زن عشو گریاشد و بوالهوس
بباید پی حفظ ناموس و دیمن
چون ماه رویان به عزم متین
بجائی گرش عرصه گردید تنگ
ز غیرت زند شیشه تن بسنگ

خوشاه حال مردی که ناموس او
ندارد بمردی دگر گفتگو
(ریاضی) بتاریخ گوهر نشان
چنین رد رقم حال آن مهوشان
ولیکن شنیدم که جمع دیکر
ز زنه های آن مردم نامور

چو شیرین معروف با شیخ متبر
بگشتند خود را رین ننگ نبر
تاء سف بخیل قشون مانند و بس
طمع می نباید بناموس کس
ریاضی ز حال ارزگان بیان
سخن بس کنی از تو پ غیبی بیان

آقای محمد یوسف ریاضی مورخ معروف
ونامی که از طایفه ابدالی افغان هراتی و معاصر
عبدالرحمن بوده است و بحر الفوائد (یا کلیات
ریاضی) خود را که دوازده بخش است و یکی
از آنها عین الوقایع است در حدود یکصد و هشت
سال قبل نوشته و در همان سالها چاپ رسانده

داستان این زنان قهرمان ارزگان را به شعر
در آورده و ثبت تاریخ کرده است، درین اواخر
(۱۳۶۸) شمسی کتاب عین الوقایع ریاضی را
بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در تهران
تجدید چاپ کرد، آقای محمد آصف فکرت
هروی بران مقدمه، نوشت و متصدی تصحیح
و پاک نویسی کتاب مذکور بود، متاء سفانه این
اشعار ریاضی را که حاوی داستان حماسی زنان
و دختران غنیف و قهرمان ارزگانی است از قلم
انداخته در حالیکه در مقدمه، خود چنین بیان
داشته " زبان و بیان کتاب حاضر زبان و بیان
ریاضی است و ما جز افزودن کلماتی در میان
() و با ارائه توضیحاتی در حواشی دست
به ترکیب تحریر مؤلف نبردیم " آقای فکرت
این اشعار را با هدوه ذیل و قبل و بعد آن چندین

صفحه ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ و چند سط
از صفحه ۲۶۴ را از تحریر انداخته و حذف کرده
انهم از صفحات چاپ قدیم که ورقهای بسیار
بزرگ و صفحه ۲۹ سطر بلند دارد که اقلا " هر
صفحه آن دو صفحه از چاپ جدید را پر میکند
قرار تطبیق بعضی خبرگان کتاب چاپ ایشان
را با کتاب چاپ قدیم جاهای دیگر کتاب را هم
حذف کرده از جمله حالات محمد حسین خان
هزاره ایماقی را حذف کرده است .

باید از آقای محمد آصف فکرت پرسیده شود
که انگیزه اش در حذف کردن این مطالب و
ناقص ساختن کتاب چه بوده است، در حالیکه
ایشان متوجه است دستبرد زدن در هیچ کتابی
جایز نیست و خلاف امانت است، حتی در
ترجمه، کتاب که باید متن کتاب بدون کم
وکاست بزبان دیگر برگردانده شود و الا مترجم
مسئول است و اگر مطلبی داشته باشد باید
بعنوان حرف مترجم در پاورقی نقل نماید
چه رسد به اینکه فقط وظیفه (بازنگری) را -
داشته باشد آقای فکرت در جائیکه این
اشعار را حذف کرده در پاورقی کتاب چاپ
ایشان در صفحه ۲۲۸ نوشته " به سبب بسیار
المناک بودن سطرهای چند حذف شد " که
این حرف عذرو بهانه نمیشود و جواب این
پرسش نیست، زیرا قضایای المناک در این
کتاب زیاد است که همه را با طول و تفصیلش
آقای فکرت ذکر کرده است و دیگر آنکه شما
ملاحظه میفرمائید که آقای فکرت چندین
صفحه را حذف کرده که ذکر همه آن اقلا " هشت
صفحه کتاب چاپ ایشان میباشد، علی ای حال
آقای فکرت در چاپ کتاب عین الوقایع صداقت
بخرچ ندادند و امانت زار عایت نکردند کتاب
را ناقص چاپ کردند .

لازم است که صاحب همتی اقدام بجای کامل
کتاب عین الوقایع نماید که آنچه بقیه
آقای محمد یوسف ریاضی نوشته شده و در حدود
سال قبل چاپ شده است، بدون یک کلمه
کم و زیاد و اعمال سلیقه شخصی و غرض ورزی -
چاپ شود و به علاقه مندان عرضه گردد، به
انتظار آن روز، چه اینکه این کتاب از ارزش -
بسیار برخوردار است و یکی از منابع مهم
تاریخی کشور مظلوم افغانستان بشمار می آید

پایان

پاورقیها مقاله مسئولیت پذیری:

- (۱۱) قرآن کریم سوره عنکبوت آیات ۱-۲
- (۱۲) ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۶
- (۱۳) ترجمه شرح نهج البلاغه فیض الاسلام ج ۱ ص ۱۱۴
- (۱۴) سوره قصص آیه ۷۷
- (۱۵) سوره اعراف آیه ۳۲
- (۱۶) عوامل کنترل و غریب قلم حضرت آیت اله مظاهری ص (۹۸)
- (۱۷) سوره جمعه آیه ۰۲

پایان



مسئولیت پذیری از نظر اسلام

در معرض امتحان و آزمایش الهی قرار گرفته اند باید صفوف خود را همانند رورهای اول جهاد فشرده تر نموده و با هوشیاری و بیداری کامل برای نوسازی کشور و بران شده افغانستان و تشکیل حکومت اسلامی جامع و فراگیر و تحقق عدالت اجتماعی، مبتنی بر قوانین و دستورات عالیه اسلام تشریک مساعی نمایند.

احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا امنا وهم لا يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين .

آیا مردم گمراه کرده اند به صرف اینکه بگویند ایمان آورده ایم رهامی شوند و یا بلاها و مصیبتها، فتنه ها و گرفتاریها را آزمایش نمی شوند؟

باینکه ما کسانی را که قبل از ایشان بودند مورد آزمایش و امتحان قرار دادیم، پس باید خداوند راستگویان را معلوم کند و باید حتماً دروغگویان را مشخص سازد (۱۱)

ارظا هر این دو آیه استفاده میشود که:

غرض خداوند از ایمان مردم تنها این نیست که به زبان بگویند ایمان آوردیم، بلکه غرض حقیقت ایمان است که تند یادفتنه ها آنرا نکان نمی دهد و درگونی حوادث، دگرگونش نمی سارد، بلکه هر چه فتنه ها بیشتر فشار بیاورد، پارس جا و برشه دار تر میگردند.

مردم خیال نکنند به صرف اینکه بگویند ایمان آوردیم دست ارششان برمی دارند و در بونه آزمایش قرار نمی گیرند، نه بلکه حتماً امتحان میشوند تا آنچه در دل نهان دارند ظاهر شود و معلوم شود ایمان است یا کفر. **فليعلمن الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين (۱۲)**

گرچه ملت مسلمان و مجاهد افغانستان در دوران چهارده ساله انقلاب، سرفرازانه از امتحان الهی بیرون آمده و با تحمل مشکلات جنگ و پیامد های تلخ و ناگواران از اسلام و سر زمین خویش دفاع نموده و سرانجام با بیرون راندن قوای اشغالگر شوروی سابق و سرنگونی رژیم منقور و دست نشانده نجیب، انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند ولی امروز که دست اندرکاران جهاد و رهبران کشور، بجای برنامه ریزی اساسی برای بازسازی کشور، سر و سامان دادن امور اقتصادی، تأمین صلح و امنیت مردم، بازگشت ابر و مندانه پندج میلیون آواره در خارج از کشور و تحکیم پایه های حکومت اسلامی و مشغول چانه زدن بر سر جوکی ریاست و تقسیم وزارتخانه ها و ... هستند و وظیفه فرد، فرد ملت مسلمان کشور خصوصاً مجاهدین گمنام و دلسوز، حائسواده

های معظم شهدا و وارثان اصلی انقلاب، روحانیون و علما، خدمتگزار و قلم بدستان، معتمد و درداشنا، سنگینتر بوده و بار دیگر در معرض امتحان و آزمایش سخت خداوند قرار گرفته اند.

چه زیبا جمله ای است که: انقلاب کاری است، آسان، اما حفظ انقلاب، کاری است دشوار و بیا به تعبیر دیگر: انقلابی ماندن سه مراتب دشوارتر از انقلابی شدن است.

اگر بایده واقع بینانه، نسبت به حوادث و تحولات فعلی و خساس بودن وضعیت سیاسی

و اجتماعی افغانستان بنگریم بخوبی درک می کنیم که: این کشور در مرحله ای قرار گرفته است که هرگونه، مسامحه کاری و سهل انگاری غفلت و کم توجهی، گوشه نشینی و بی تفاوتی در برابر اوضاع اشفته و نابسامان کشور و مردم سبب خواهد شد که: ارزشهای جهادی و دست آورد های انقلاب اسلامی به انحراف کشانده شده و افراد فرصت طلب خود خواه، عناصر ضعیف النفس و بی اراده و بقایای رژیم گذشته، علاوه بر ذبح فرزندان انقلاب، کشور و جامعه را به تباهی و ویرانی خواهند کشاند.

حوادث و قضایای یکساله و چند ماهه در داخل کشور، اعم از نحوه، تشکیل دولت اسلامی امضای توافقنامه های مختلف در داخل و خارج و تشکیل کمیسیونهای آتش بس میان رهبران احزاب و سازمانهای اسلامی افغانستان از یکطرف، بروز درگیریهای خونین و تاء سفار موشکباران پی در پی و گلوله باران مداوم مناطق مسکونی در کابل و ... این تجربه را بس برای چند مین بار، در دوران انقلاب اسلامی ثابت نمود که: اگر در افغانستان، اقوام و ملیتهای مختلف اعم از ازبک، تاجیک، هزاره و پشتون نورستانی و قزلباش و ... شیعه و سنی خصوصاً رهبران جهادی معضلات سیاسی و اجتماعی داخل کشور را واقع نگری و سعه صدر، از طریق تفاهم و مذاکره حل نمایند کشور هیچگاه روی صلح و امنیت و آرامش و ثبات سیاسی رانخواهد دید.

در شرایط فعلی، تن ندادن بواقعیتهای موجود، نداشتن سعه صدر در برابر مسایلی توسل بزور و قدرت بجای تفاهم و مذاکره، عدم احترام بحقوق دیگران و کم اندیشی و کوتاهی نظری در میان بعضی اردبیت اندرکاران امور و ... از جمله مشکلاتی است که هر روز زندگی مردم مظلوم ورنج دیده افغانستان را در کام شان تلخ تر کرده و حیثیت و غرور جهادی و ملی مجاهد مردان را در انظار جهانیان زیر سؤال برده اند.

باتوجه بمسائل فوق الذکر، یکی از عوامل مهمی که در آینده ملت مسلمان و دلبس و رهبران جهادی افغانستان را در برقراری امنیت و آرامش، صلح و ثبات، تحکیم وحدت و بساز سازی در این کشور بیشتر کمک نموده و بخش عظیمی از مشکلات را حل خواهد نمود، وظیفه شناسی و پویای بندی به آن ورعایت حقوق متقابل مردم و رهبران، حکومت و دولت اسلامی افغانستان میباشد. لذا ما در این قسمت، با استناد به فرمایشان علی علیه السلام در نهج البلاغه، وظایف متقابل جامعه اسلامی

و رهبران کشور را (ملت و رهبر) بر شمرده و مسئولیتهای آنان را در برابر یکدیگر ذکر می نمائیم:

۶- حقوق متقابل رهبر و ملت:

امیرالمؤمنین علی (ع) بعنوان بزرگترین شخصیت در تاریخ اسلام، پس از رسول اکرم ص و عالیترین حقوق دان در جامعه و اشنا ترین فرد به احکام و مسایل اسلامی درباره حقوق متقابل رهبر و ملت اینچنین میفرماید:

ایها الناس ان لی علیکم حقاً و لکم علی حق: فاما حقکم علی فالنصیحه لکم و توقیر فیتکم علیکم و یعلمکم کیلا تجهلوا و تا دیبکم کما تعلموا و اما حقی علیکم فالوفا بالبیعه و النصیحه فی المتهید و المغیب و الاحابه حین ادعوکم و الطاعه حین امرکم (۱۳)

ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما بر من حقی است. اما حقی که شما بر من وارد و نصیحت کردن (خیرخواهی) شما است (ترغیب ببه اخلاق پسندیده و باز داشتن از گفتار و کردار ناسا شایسته) و رساندن غنیمت و حقوق شما است بتمامی (اربیبت المال مسلمین بدون اینکه بگذارم حیف و میل شود) و یاد دادن شما است از (کتاب و سنت آنچه را که میدانید) تا نادان نمابند و تربیت نمودن شماست (ببه اداب شرعیه) تا بیاموزید (و بر طبق آن رفتار نمائید) و اما حقی که من بر شما دارم باقی ماندن به بیعت امت و اخلاص و دوستی در پنهان و آشکار و اجابت من چون شما را بخوانم و اطاعت و پیروی با آنچه بشما امر کنم:

حقوق ملت:

۱- خیرخواهی رهبر نسبت بمردم:

از آنجائیکه حکومت و دولت اسلامی و بیا هرگونه ساختار سیاسی کوچک و بزرگ که خواهان عملی شدن دستورات و قوانین و ضوابط اخلاقی در زندگی جامعه اسلامی و خواستار سعادت و خوشبختی آنان میباشد رهبر و زمامدار یک کشور اسلامی و متولیان امور، باید در تمام مسایلی کشور داری و حکومتی، خیرخواهی شانرا نسبت بمردم حفظ کرده و بر اساس منافع و مصالح ترقی و تکامل، سعادت و خوشبختی ملت در دنیا و آخرت گام بردارند.

بدون تردید مکتب اسلام از میان سایر ادیان و مکاتب الهی، یگانه مکتبی است که سعادت و خوشبختی جامعه، انسانیت را در دنیا و آخرت تضمین کرده و تمام موانع موجود را از سر راه تکامل مادی و معنوی آنان برداشته است چنانچه در آیات عدیده ای قرآن به این مطلب اشاره شده است.

وایتع فیما اتاک الله الدار الاخره و لاتتنس نصیبک من الدنیا (۱۴) یعنی هر چه که

خداوند به شما عطا کرده است برای کسب پاداش و سعادت آخرت از آن استفاده کنید ولی در عین حال بهره گیری از نعمات الهی را در دنیا نیز فراموش ننمائید، بعبارت دیگر همانگونه که یک انسان مسلمان در فکر عالم آخرت بوده و از نعمت های خداوندی از قبیل صحت و سلامتی، علم و قدرت و سرمایه و جوانی و ... برای سعادت و خوشبختی آخرت استفاده میکند، همچنین از این نعمتها برای



بقیه از:

مصاحبه استاد...

ناشد، این يك كار معقول است و منطقی هم است و در دنیا هم سابقه دارد و پاکستان هم همین مسئله را عمل کرده اند، لهذا غیر این راه راه بیرون رفت از وضعیت فعلی و در دستار این حرفهای که از انجاشایع شده است کسه حکمتیار تنها استعفا بکند و صدر اعظم پیر سید احمد کیلانی انتخاب شود این راه حل نیست، به مشکلات مردم افغانستان می افزاید، باید این موضوع با توافق رهبران باشد و رهبران این کار را نکنند، چون مشروعیت صدر اعظم آقای حکمتیار و ریاست جمهوری آقای ربانی با توافق رهبران بوده است و مرجع دیگری وجود ندارد که بگوید یکی از آنها استعفا بکند و دیگری استعفا نکند این موضوع با توافق رهبران است و برای بیرون رفتن از وضعیت موجود با توافق رهبران دولت موقت تشکیل گردد، زمان برایش مشخص گردد و علاوه بر آن قانون مشخص برایش وضع گردد تا بدان عمل نماید: این يك راه حل معقول است.

س: جناب استاد مزاری شنیده ایم که داکتر حسن الترابی رهبر جنبش اسلامی سودان عرض اصلاح بین گروههای جهادی که با هم درگیر اند در افغانستان مسافرت داشته اند و ملاقات

هایی هم با استاد سیاف، شما و مسعود و حکمتیار داشته اند میخوایم که نظرات شما در رابطه با اصلاح و اینکه چقدر کار آنها ثمر بخش خواهد بود بدانیم؟

ج: آقای حسن الترابی دیروز اینجاست و سیاف آورده بودند، تقریباً "مدت دو ساعت با هم ملاقات داشتیم، ایشان یاد و هدف بسسه افغانستان آمده است یکی کنفرانسی که در مرکز سودان از جهان اسلام و نهضت های اسلامی دارند و یکی هم میانجیگری برای رفع درگیریهای داخل افغانستان و از نظر ما هر دو نظریه ایشان نظریه مثبت بوده و اینکه وی می آید برای جهان اسلام و حل مشکلات مسلمانان راه حل ارائه نماید و سران نهضتها را جمع میکنند، این کار در سطح جهان کار بزرگی است و ما بدعوت ایشان جواب مثبت دادیم که در این کنفرانس از حزب وحدت ۰۰۰ شرکت میکنند و ما از این عمل شان استقبال می کنیم، در رابطه با حل مشکلات داخلی افغانستان هم همانطوریکه در طول (۱۸) ماه از تحركات صالح جویانه و اصلاح گرایانه استقبال کردیم و از اقدام آقای حسن الترابی نیز بگرمی استقبال مینمائیم و انرا کام مثبت میدانیم و در تمام زمینه ها با ایشان همکاری می نمائیم.

س: جناب آقای مزاری سؤال دیگر ما در رابطه با جنگ تکاب است، شاید شما در جریان قرار داشته باشید، تقریباً "دوسه هفته میشود که جنگ میان مجاهدین حزب اسلامی و افراد مربوط شورای نظار جریان دارد، ولی اخیراً "ارسانه های گروهی شنیدیم که شما در این جنگ اظهار بیطرفی کرده اید، نظر ما این است که از نظر اسلام وقتی که میان دو گروه اسلامی جنگ و اختلافی صورت می گیرد يك فرد مسلمان باید گروه اسلامی و وظیفه اش این است که در میان دو گروه متخاصم باید صلح نماید و طرف که از صلح نرسد مینماید و سرساز

میرند باید جانب کسی را بگیرد که وی مظلوم واقع شده و علیه بغاوت کننده و متمرّد باید صفت آرائی نماید، به نظر شما در این چه راه حل وجود دارد؟

ج: گفتگو و تفاهم راه حل میدانیم و پذیرش هم دیگر را راه حل میدانیم، منطق و دلائل منطقی را چه حالا این تضاد در بین تنظیمی پیش آید و چه به حساب توئی همه این مسائل ضرر و سودش برای يك مملکت است، در تمام دنیا مشاهده میکنیم که همه این مسائل وجود دارد یعنی هم احزاب مختلف است و اقوام مختلف و مذاهب مختلف وجود دارد، ولی وقتی که

راه حل تفاهم را بپذیریم برای تکامل مردم و مملکت از آن استفاده بعمل آوریم مشکل پیش نخواهد آمد، اما همه اینها در افغانستان باعث درد شده است، بخاطر عدم تفاهم لهذا وقتی که ما میداریم امنیت تفاهم می دانیم از این جهت ما جنگ را، راه حل میدانیم جنگ که در انجا پیش آمد ما در صدد بودیم کسه جنگ در آن ساحه باید محدود نگه داشتند

شود و گسترش پیدا نکند، اگر کسی از کسی حمایت بکند و طرفی از طرف دیگر جنگ حمایت نکند جنگ گسترش پیدا میکند و تمام مناطق کابل را در بر میگیرد، در صورتیکه این مردم ده تاجیک خونین را سپری نموده اند، روی این اصل اولین بار بود که برای اصلاح این مسئله اقدام کردیم و آقای فاضل رافر ستادیم پیش آقای حکمتیار و آقای حکمتیار خواستیم که میانجیگری کنیم که جنگ صلح گردد، آقای حکمتیار گفتند که کابینه قبل از شان تصمیم اقدام کرده اند، کابینه دولت که متعلق به همه احزاب است تصمیم گرفته که برود این مشکل را حل کنند و ما از این جهت از اقدام

اصلاحی خود صرف نظر کردیم، برای اینکه کابینه و تشکیلاتی را که کابینه بوجود آورده بودند اقدام کرده بودند از نظر ما اقدام کابینه جامع تر بود، چون همه احزاب در انجا عضویت داشتند از این جهت ما خوشحال شدیم که این اقدام کرده برای صلح و حلاله ما میدوار هستیم که هر چه زودتر صلح برقرار شود و بجای جنگ تفاهم برقرار گردد و باید راه تفاهم تعقیب گردد، در اسلام درست است که اگر کسی ترمد کرد و تفاهم را قبول نکرد مسلمانها وظیفه دارند تا متمرّد را تنبیه کنند و لسی وضعیت افغانستان طور نیست که چون در يك انقلاب مسلحانه پیروز شده است و همه مردم مسلح اند باید بیشتر روی تفاهم و مذاکره تکیه نمائیم و اسلام هم این مسئله راضحه میگذارد وقتی که همه راهها بسته شود باید تفاهم و مذاکره بعمل آید.

س: استاد محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در طول یکسال ونیم گذشته روابط حزب اسلامی با حزب وحدت اسلامی در تمام عرصه ها شکل پشتیبانی را داشته و عملاً و نظراً "حزب اسلامی از حزب وحدت اسلامی پشتیبانی کرده است ولی اگر بار در این اواخر دامنه جنگ را شورای نظار به کابل بکشاند و جنگ بین حزب اسلامی و شورای نظار بوجود بیوندد در ان صورت موقوف حزب وحدت ۰۰۰ چه خواهد بود؟

ج: چون ما معتقدیم که جنگ راه حل نیست و گسترش آن اصلاً سود مردم نیست، تلاش میکنیم که این جنگ به کابل واقع نگردد رابطه های با حزب داریم، هم رابطه با حزب اسلامی و هم با جنبش ملی اسلامی جنبه

است و با شورای نظار هم کمیون مشترک می داریم و خیر و صلاح این راه را میدانیم که جنگ نباید در کابل صورت بگیرد.

س: فرض مثال اگر احتمالاً "رخ داد در ان صورت بوقت حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود چیز این را بخاطر این تاکید مینمائیم کسه شورای نظار همانطوریکه برای شما بهت معلوم است به هیچ تعهد و توافق خود پایبند نمانده و نخواهد ماند، اگر احیاناً "جنگ رخ - دهد موقوف نظامی حزب وحدت اسلامی چه خواهد بود؟

ج: مسئله طبیعی است که در کابل چند تا قدرت نظامی اینجام وجود و فعالیت دارند وقتی که ما با جنبش ملی اسلامی روابط حسنه داریم و هم با حزب اسلامی بنا "این جنگ تحقق پیدا نمیکند.

س: معاهده آتش بس که میان شما و اتحاد اسلامی بخاطر قطع جنگ صورت گرفته تا چه حد استحکام خواهد داشت و آیا درگیری دیگری ایجاد خواهد شد؟

ج: در رابطه با مشکلاتی که بین ما و اتحاد در (۱۸) ماه گذشته موجود بوده است اقدامات زیادی برای این کار انجام گرفته است که باید این مشکل رفع گردد، وقتی که آقای حکمتیار واسطه شد که باید مذاکره شروع شود و بخاطر این کار کمیونی تشکیل شد و کسانی که در این باره اقدام کردند ما همیشه اران - استقبال کردیم و فعلاً هم کمیون ۶ نفره از اتحاد اسلامی و حزب وحدت اسلامی در آن عضویت دارند، اینها يك تعداد نبر و را برای حفظ آتش بس تعیین کرده اند و گروه سیاری نیز تشکیل داده است که بر خطوط مقصد نظارت کنند و تخلفی که صورت می گیرد باید جلوان را بگیرد، يك مقر مشترک اردو تنظیم موجود آمده که نقش آتش بس را به هیات مربوط گزارش بدهند، اینها همه کامی مثنی برای حفظ آتش بس است و از وقتی که آتش بس اعلام شده درگیری تقلیل یافته و خیلی کم گزارش شده ما مصمم هستیم که این کمیون را تقویت نمائیم و این آتش بس حفظ گردد.

س: در آینده افغانستان بعضی طرفدار این مسئله هستند که مطبوعات افغانستان باید مطبوعات آزاد باشد اما يك عده دیگر طرفدار آزادی مطبوعات نیستند، میخوایم نظر شما را بدانیم که آیا شما با آزادی مطبوعات عقیده دارید؟ یا اینکه با قید و شرط دیگران معتقدید؟

ج: از نظر تمدن بشری و قوانین بین المللی من فکر میکنم که امروزیکه پذیرفتن در سطح جهان است که مطبوعات آزاد باشند و هر کس طبق برداشت های سیاسی و عقیدتی خود را منعکس نماید و بکعبه است که نسبت به این مسئله تعصب نشان میدهد و کسانی که میگویند سانسور باشد و مطبوعات آزاد نباشد این دیگر خیلی دورانش گذشته است، یعنی در این دوران تطبیق نمیگردد و از نظر اسلام هم عقیده مخالف داشتن جرم نیست، این يك اصل پذیرفته شده است ما معتقدیم که آن آزادی اسلام و خلفای اسلامی پذیرفته است، هنوز غرب هم به آن نرسیده است مانمونه بارزی -

س: چون ما معتقدیم که جنگ راه حل نیست و گسترش آن اصلاً سود مردم نیست، تلاش میکنیم که این جنگ به کابل واقع نگردد رابطه های با حزب داریم، هم رابطه با حزب اسلامی و هم با جنبش ملی اسلامی جنبه

س: جناب محترم دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان در طول یکسال ونیم گذشته روابط حزب اسلامی با حزب وحدت اسلامی در تمام عرصه ها شکل پشتیبانی را داشته و عملاً و نظراً "حزب اسلامی از حزب وحدت اسلامی پشتیبانی کرده است ولی اگر بار در این اواخر دامنه جنگ را شورای نظار به کابل بکشاند و جنگ بین حزب اسلامی و شورای نظار بوجود بیوندد در ان صورت موقوف حزب وحدت ۰۰۰ چه خواهد بود؟

ج: چون ما معتقدیم که جنگ راه حل نیست و گسترش آن اصلاً سود مردم نیست، تلاش میکنیم که این جنگ به کابل واقع نگردد رابطه های با حزب داریم، هم رابطه با حزب اسلامی و هم با جنبش ملی اسلامی جنبه



نشان میدهم که در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام خوارج با حضرت علی مخالف بود و اختلاف برداشت هم از متن اسلام داشتند و آیات و روایاتی را پیدا میکردند و علیه خلیفه مسلمین راه می رفتند و قرائت میکردند مثل شعارهای که فعلاً "میدهند، غالب اوقات بود که حضرت علی در نماز جماعت بود، اینها میرفتند استدلالی میکرد، حضرت علی (ع) - آنقدر رکوع را طول میداد تا استدلال آنها تمام گردد، من فکر میکنم که در هیچ جای دنیا در جامعه متمدن فعلی که این نمونه وجود ندارد که کسی برود به نمارویا به جماعت یک رهبر و یک خلیفه برود و آن استدلال بکند و اجازه داشته باشد در این حد وقتی که در اسلام آزادی وجود دارد، بنا "مانمی توانیم که بگوئیم که حالا انقلاب اسلامی پیروز شده است مطبوعات باید در اختیار یک حزب و یک دولت باشد که دیگران نتواند ابرار عقیده و نظر بکند تبلیغ بکنند و برداشتهای خود را منعکس نمایند، البته، از نظر قوانین اسلامی برای این محدودیت های در نظر گرفته شده که بخاطر منافع جامعه انسانی و اخلاقیات اجتماع است و آن این است که باید فیصد انسانها در راه نجات و فلاح است کاری نشود که آنها

منحرف شود و جملای دیگری برود و فقه طایف مابانی اسلامی در آینده مطبوعات تدوین گردان معنی محدود کردن نیست بلکه معنی این است که کسی حق ندارد در حق دیگری راضی بکند، کاری کند که آزادی عقیده وی گرفته شود و حتی درباره مسیحی ها و ارمنی ها مابانی فقه اسلامی آمده که برای عقیده داشتن و مراسم مذهبی آنان آزاد است ولی یکسری کارهای که در اسلام مثل شراب خواری و دیگر مسائل که مجاز نیست که اینها در مجامع عمومی انجام ندهند فقط میتوانند در خانه شان انجام دهند، دور از انظار و مجامع عمومی که دیده نشود، لهذا آزادی مطبوعات را طبق فرامین اسلامی میدانیم و نظر ما هم همین است که هر کس باید از ادب باشد، منتهی مراحمت به دیگران نباشد.

س: محترم استاد مزاری شما در مصاحبه تان بایک خبرنگار فرانسوی گفته بودید که بجهت جمعیت اسلامی بخصوص استاد ربانی برای شما تعهد داده که مذهب تشیع را به رسمیت بشناسد، دلیلی وجود دارد که استاد ربانی تاکنون این کار را انجام نداده است ؟

ج: آقای ربانی با ما توافق کرده اند که از نظر

تنظیم جمعیت اسلامی فقه جعفری رسمیت دارد و تدوین قانون اساسی هم از این موضوع جمعیت اسلامی حمایت کرده است، این توافق نامه راهم حزب اسلامی وهم جمعیت اسلامی داده است و جنبش ملی اسلامی رسماً در اساسنامه اش منعکس کرده است، منتهی این قانون اساسی که پیش آمد اصل آن غیر قانونی بوده، لهذا باید قانون اساسی از طرف مردم تدوین گردد و بعد ببینیم که آقایان با توافقاتی که دارند چگونه عمل خواهند کرد؟

س: در این و آخر شما از طریق رادیو هلال بین المللی شایسته شنیده باشید که میباید وحشیانه در شهر سروبی که اصلاً در آنجا مراکز نظامی وجود ندارد صورت گرفته و تلفاتی

ریادی برای اهالی سروبی داشته است در این قسمت حزب وحدت اسلامی هیچ گونه عکس العملی از خود نشان نداده و این عمل را تقبیح نموده، در این مورد شما چه میفرمائید؟

ج: البته ما اصل جنگ را قبول نداریم مردم غیر نظامی چه با کلاشینکوف به شهادت برسند چه با راکت و چه با بمبار دمان، این کار غلطی است که متأسفانه در جنگهای افغانستان این مسئله مکرراً تکرار شده و پیش آمده و ما این مسئله را منطقی نمیدانیم، برای اینک بمبار دمان برای این است که دولت با کشورهای خارجی جنگ داشته باشد و اینکه اعضای دولت در بین خودشان جنگ میکنند و غیر نظامیان مورد بمبار دمان قرار میگیرند این کار از نظر من مردود است و درست و منطقی هم نیست.

س: به نظر شما این بحرانی را که در آن قرار داریم چگونه پیش بینی مینمائید؟

ج: من این موضوع را در سئوالهای قبلی هم جواب داده ام راه بیرون رفتن غیر از اینکه رهبران بنشینند و توافق نمایند و یک دولت موقت برایش رمانی قائل شوند و اعضایش مشخص باید شوند و وجود بیاورند تارمینه فراهم گردد که برای انتخابات که خود مردم سرنوشت شان را تعیین کنند، این راه منطقی و معقولی است غیر از این راه هر راه دیگری را که ببینند موفق نخواهند بود.

س: استاد شما که در صحبت صریح گفتن شهرت دارید و صریحاً صحبت میکنید اگر در آخرین دقائق بگوئیم که چه کسی نمیخواهند این راه را مثلاً "پیشنهاد صدراعظم را، کدام رهبر و یا کدام جناح است که نمیخواهد این راه را بیپیمایند؟

ج: من این را مکرراً گفته ام و در این مسئله اکثریت رهبران شامل بوده اند یکسری بخاطر اینکه تعهد ندارند شامل اند و پیمانی را که امضا میکنند به پایش نمی ایستند و موضع گیری درستی ندارند به اصطلاح هزاره کی (شامین تراز و زراسیل میکنند که کدام طرف سنگینی میکند) اینها واقعا "یکسری فجاجعی در افغانستان بار آورند و یکسری هم قناعت ندارند و وظایفی که برای شان سپرده میشود یعنی صلاحیت که برایش داده شده است ندارند، لهذا از این جهت ما طرفدار این مسئله هستیم که قانون بیاید و حاکم گردد برای اینکه وقت که قانون حاکم شد با مرجع قانونی آمد صلاحیت محدود میگردد. خودسری ها و دخالت ها جلوش گرفته میشود، یک عده ای دیگر هم استفاده های دارند از بیت المال یعنی وقت که حساب و کتاب نبود قانون نبود وضع عادلانه نبود، از وضع عمومی به نفع خویش و یا جریانش میتواند استفاده بکند، لهذا اینها هم بخاطر بی نظمی و انارشیرم که وجود دارد، حیات خود را به این مسائل وابسته میدانند و این مسئله را دنبال میکنند و تن به حقیقت و قانون نمی دهند و مجموع این عوامل را که در نظر بگیریم اکثریت رهبران را شامل میگردد ولی استثنای آن کم است.

س: بخشید آقای مزاری من در اخیر طرح شخصی ام برای راه حل بحران کنونی افغانستان این است که یک سلسله کارهای تاکتیکی و اخلاقی میان رهبران و سایرینکه در انقلاب و جهاد شرکت داشته اند صورت بگیرد هر چند که

پیشنهاداتی که شما دارید همه قابل قبول در حای که قابل عمل است ولی تا حدی بحارب نشان داده است و همه بیاد داریم که معاهداتی که در جلال آباد و اسلام آباد صورت گرفته پیمانهای شد و امضا، هائی صورت گرفت و در پایان آن امضای همه رهبران گرفته شد و در کعبه شریف تعهد کردند که توافق نامه ای را که امضا کرده اند باید عمل بکند و بعداً هم شاهد هستیم که عملی نشد بنظر من اگر قلب هاپاک و تظہیر شود و کینه هار دوده شود و به این ترتیب وقتی که تفاهم بوحود می آید یا اگر فیصله ای صورت میگیرد یا انتخاباتی برگزار میشود یا اگر پیمانهای دیگری برای حل مشکلات امضا میگردد همه آن قابل عمل خواهد بود و اعتماد بین رهبران بیشتر بوجود خواهد آمد نظر شما در این باره چیست؟

ج: من معتقدم اینجادوسه تا مسئله ضرورت دارد که باید رعایت شود یکی در طول ۱۴ سال یا در ۱۸ ماه که تا بحال گذشته ثابت شده که رهبران در تعهدات خود ثابت نیستند و این ملت است که در این رابطه تصمیم بگیرند و یک قدرت اجرائی باشد همانطوریکه ملت روسها بدون سلاح و بادست خالی توانستند از مملکت بیرون برانند، البته با تمام توانمندی که روسها داشتند، اینها را رهبر ساختند ملت ساخته است، این یک راه حل اساسی است، حای شکی نیست که مسئله اخلاقی معنویات، پاکدلی و تظہیر قلب هار و شراست در هر جامعه ای در کل افراد اینها ضرورت دارد، منتهی یک مسئله غیر عملی است مگر الهام از اماددهای غیبی بگیریم و خداوند آنرا بشکل معجزه ای انجام بدهد، این همه جاه طلب قدرت طلب و کینه توزی را تغییر بدهد این همه ضرورت به یک قدرتی دارد که از افغانستان اینها بیرون کنند و درس اخلاق برایش بگذارد، متأسفانه اینکه این اصلاحات و اختیاریان نیست، از ملت هم میخواهیم و خود ما هم دعای میکنیم که خدا اصلاح بکند، اما اینکه اینها از سر قدرت شان جمع کرده بپزند درس اخلاق برایش تدریس نمایند، این دیگر در توان مانیست فقط راهی که وجود دارد، آن مردم افغانستان است که در طول تاریخ اثبات کرده اند که هم اینها شهادت جنگ را دارند و هم شهادت تعیین سرنوشت خود را دارند، خارجی ها را دفع کرده و با تمام توانمندی شان آنان را بیرون رانده اند، حالا رهبران را همین ملت اصلاح نمایند و بر رهبران لازم است روی این مسئله بخاطر منافع مردم و منافع مملکت شان فکر کنند و در تعهداتی که میکنند و موافقات که میکنند در اجرای آن پای بند باشند، برای بیرون رفت از وضعیت فعلی فکر میکنند و در مجموع به این مسائل توجه گردند و رهبران توجه داشته باشند و انشاالله مشکل حل میگردد و ملت هم فشار بیاورند که نقش ایمان و تقوا را نمیتوان در جامعه اسلامی نادیده گرفت و این یک اصل ضروریست، منتهی تطبیق آن بستگی بخود فرد دارد، مگر اینکه ضرور باشد که اینجاد درس اخلاق دایر بکنند، این امر در افغانستان ممکن نیست.

س: استاد محترم می بخشید که سئوالها زیاد شد و سئوالی دیگری که در رابطه با



شعر معاصر

افغانستان

تقدیم به آنان که ۱۳ سال انتظار زندانیان شان را کشیدند و آخر ۰۰۰۰

انتظار

در انتهای انتظاری سر دو طولانی
من ماندم و آغاز یک فصل پریشانی
وقتی بهار از شاخه های کاج ، می تابید
من بودم و بیخ بستگی های زمستانی
در سر ، صدای سبز گندم را می پیچید
اما دلم محسوس کوتی بود پنهانی
بادی که با خود برد برگ انتظارم را
می ریخت بر قصر دلم یک قلعه ویرانی
گاه عبور از امتداد لحظه های سرد
دستی به روی شانه امی کاشت عربانی
(سهار آند)

"خنجره سرخ"

طنین خنجره ، سرخ کیست در آتش ؟
که آسمان ، دل خود را گریست در آتش
شی که پیرهن شعله بود بر تن شهر
سناره ام چه غریبانه زیست در آتش
چه بانگ ، شومتر از آن که باغ را گویند
همیشه سبز مباح و بایست در آتش
اگر که ریشه ، احساس پنهان خشکیده است
درخت و جنگل و پروانه چیست ؟ در آتش
دلم برای شما ، پرندگان غریب
جواب سوخته ، خود را گریست در آتش
(محمد شریف سعیدی)



ابابیل

سرزمین من !
دیروز که موشکهارا دیدیم
و کاو آهن ساختیم
دیروز که گوش به رجز صخره ها بخشیدیم
و پلنگان مغرور ، در دره های سرنوشت
نعره کشیدند
از کوه های تنگستان بنا کردیم
هیچ تند بادی نفهمید
که ابابیل در ذهن تو جاری است

سرزمین من ۱

دیروز که پدرم سرفه های تفنگ را
در سرکوی خشم می کالید (۱)
و شامش را در سنگریف آلود
در روشنی فشنکوستاره می خورد ،
هیچ تندبادی
کولاکت را پیش بینی نمی کرد

اه ۱ سرزمین من !

سیاره هایه کجا منتهی شدند
و چشمه هایه کدام رود
ورود هایه کدام دریا
سرا زیر آمدند ؟

سرزمین من !
وقتی که بازوانت قلم شوند
غبار تلخ درختانت را
بالاب کدام حادثه شستشو دهم ؟

۱- سرکوی ، آلتی شبیه به هاوون ولی بزرگتر
و کالیدن یعنی کوبیدن و کوفتن
(محمد حسین فیاض مالستانی)



تقدیم به مدافعان حریم ولایت در خط
مجروح کابل

(کله منار)

شهر خود تهی مکن ، فاطمه خوار میشود
جمعیه غرور ما ، کله منار میشود
باغچه های شهر را باز اگر رها کنی
هر چه درخت کاشتی ، چوبه دار میشود
گریه شوق می کنم این که به عرصه بازهم
ختم هزار ساله ات دست بکار میشود
آن که به کاروان ما امر سکوت می دهد
مرکب بخت خویش را چیه سوار می شود
باز نیار و خدافاجعه ای که بنگرم
دست در آستین ما ، یک شبه مار میشود
(سید فضل الله قدسی)

خاطره

از دوران جهاد

از علی کریمی

بطرف کودکان رفتم ، یکی پس رو دیگری
دو دختر ، قباغه مشابه شان نشان میداد که
برادر و خواهر هستند ، برای من غیر عادی بنظر
میرسید که این دو کودک دور از دهکده و با
صورت های گریه آلود ، در آن نقطه خوابیده
باشد ، نزدیک شدم و آنها را بیدار نمودم ، با
دیدن من که اسلحه بدستم نبود ، وحشت زده
انگار که صغیر مرگ آنها هستم ، پابف برار
گذاشتند !

صدازدم ، برگردیدم ، طفلان معصوم از
ترس ، مثل برگ بیدمی لرزیدند ، اهسته بطرف
شان نزدیک شدم و گفتم مجاهد هستم ، نباید
بترسید ، با شنیدن کلمه مجاهد ، انکار که
پناهگاه امنی یافته اند ، برقی از شادی و اطمینان
در چشمان معصوم شان تابید ،
صورت کثیف شان را بوسیدم و هر دو
را در آغوش گرفتم ، وقتی مطمئن شدم مجاهد
هستم بغض کوچکشان ترکید و هر دو با صدای
بلند زدند به گریه . مهربانانه پرسیدم
بچه های خوب ۰۰۰ چرا از خانه دور شده اید ؟
مثل اینکه نمک به زخمهای شان پاشیده باشم
ضجه دلخراشی کشیدند !
بانوازش و نرمی من ، گریه شان کم شد و در -
حالی که دست در دست همدیگر داده بودند

پرواز معصومان

غزنی ، خزان ۱۳۵۹

رادگاه سنائی ، در آن روزها ، شرایط سختی
داشت ، فشار شدید نیروهای دولتی برای بیرون
راندن مجاهدین از مواضع شان ، دوچندان شده
بود ، مقاومت سرسختانه و جانانه مجاهدین
نیز دولتیهار احساسی کلافه کرده بود .
دولتیهانه تنهاییک وجب از مناطق و مواضع
تحت کنترل مجاهدین را نمیتوانستند اشغال
کنند ، بلکه در هر عملیات چریکی بسیاری از -
مواضع و سنگرهای خودشان را از دست می دادند
ساعت ۱۰ صبح یکی از روزهای خزان ۵۹
همراه تعدادی از برادران مجاهد راهی غزنی
باستان شدیم ، صدای فیرها و انفجار بمبها
از دور علامت می داد که هنوز جنگ داغ است
پرواز جیت هابرفراز دهکده های اطراف شهر
از همان آغاز حرکت مان ، آسمان منطقه راهم
جنگی شان میداد .
کم کم ، بانزدیک شدن ، بمنطقه محل
بمباران ، صدای انفجارها شدید تر و گردوغبار
ناشی از انفجار تیره ترمی گردید ،
یکی از ما موربتهای مادر این سفر ، گفتگو
با مجاهدین منطقه غزنی ، پیرامون همکاریهای
عملیاتی بود ، داشتیم با برادر ظابط
کریمی ، در اینخصوص و نیز عملیاتی که در چند
روز آینده داشتیم ، گپ می زدیم ، ناگاه چشم
مان به دو کودک خرد سالی افتاد که در یک
گودالی دست به گردن هم بخواب فرورفته
بودند .

جریان بمباران ده و ویرانی خانه ها و کشته شدن
پدر و مادر خود را تعریف کردند
دستهای کوچکشان را در دست گرفتم و به
طرف خانه های ویران دهکده برای کشیدن
اجساد از زیر آوار حرکت کردیم ، به کودکان بی
پناه دلداری دادم که همه محاهدین پدران و -
برادران شما هستند و زنان آنها مادران و خواهران
شما ، زود راضی شدند و ترس از وجودشان -
دور شد !
چند قدمی بیش نرفته بودیم که آن دو
کودک از ما جلوتر ، با شیطنتهای کودکانه به راه
رفتن مشغول شدند ، ماهم از دنبال شان و ۰۰۰۰
بازل پرازانده و قلمی سرشار از غم ، وارد ده -
شدیم و مشغول یافتن اجساد ، دوباره صدای
نزدیک شدن طیاره هابرفراز آسمان دهکده ما
را بخود آورد ، امایی توجه به آنها به شکافتن آوار
ها ادامه دادیم ، ناگهان متوجه کودکان شدیم
که مثل جوجه کیوترهایی که عقاب دنبال شان
کرده باشد بطرف دامنه کوه دست همدیگر
را گرفته فرار می کنند ، در همان لحظه در فاصله
(۵۰) متری بمبی از طیاره هابرفراز بخت ، فضای
اطراف تاریک شد و زمین به لرزه درآمد !
تمام خواصم بسوی کودکان بود ، فقط همین
قدر دیدم که با انفجار بمب هر دویه زمین
افتادند و دیگر بلند نشدند دویدم و خود را به
آنها رساندم ، چند قطره خون از دهان شان
به زمین ریخته بود ، سر هر دورا بلند کردم و صدا
زدم بچه ها ۰۰۰ اما هرگز جوابی نشنیدم !
با



بسم الله الرحمن الرحيم

متن سخنرانی

قدرتهای جهانی در حالیکه شعار حمایت از مسلمانان این جمهوری می دهند ولی در واقع با تحریم تسلیحاتی آنان دست صربها و کرواتها را برای کشتار مسلمانان باز گذاشته اند. پس سازمان ملل برای برقراری صلح در بوسنی باید جدی تر باشند زیرا ادامه این روند تا سیف با راست، لیکن بنظر من تا اتحاد میان مسلمین و وحدت در رهبریت بوجود نیاید امروز در بوسنی و فلسطین و کشمیر و میان احرار افغانستان و تاجکستان و آذربایجان و غیره شاهد حال نا اصف بار مسلمین هستیم و فردا در جای دیگری نیز شاهد خواهیم بود.



فعلا " که امید قدرت مسلمین توسط انقلاب حضرت امام خمینی (ره) بوجود آمده است کفر جهانی همیشه برای تضعیف مسلمین از راههای مختلفی روی عناوین گوناگون کمر بسته است. با اینکه سازمان ملل و آمریکا و غیره فریاد از بشر و انسان دوستی می زنند، باز هم در بوسنی و هرزگوین، کشمیر و فلسطین، اطفال و جوانان و

من ضمن این امر مراتب اندوه عمیق خود از تجاوز و وحشیانه صربها علیه مردم مسلمان بوسنی و هرزگوین قدرتهای بزرگ جهانی را به سبب تحریم تسلیحاتی بوسنی هرزگوین و سلب حق دفاع از مردم مسلمان این مملکت در برابر تجاوز صربها شدیداً محکوم می کنم. مقاومت و پایداری جوانان و مردان مسلمان و شجاع بوسنی و هرزگوین را در مقابل متجاوزین به عنوان یک نقطه امید در این جنگ نابرابری ستایم، باید ترتیبی داده شود که ملت بوسنی بتواند در برهه کنونی با افتخار و توانائی بیشتری در میدان نبرد خود دفاع کند، تا در سایه آن تا مین منافع بیشتر مسلمانان امکان پذیر شود.

امت مسلمه برای عمل به تکالیف شرعی و اسلامی خود در زمینه حمایت از مسلمانان بوسنی و هرزگوین اقدام جدی نمایند و قدرتهای بزرگ جهانانه جلوگیری از شدت بخشیدن به جنگ تمامی راهها را بسته و مسلمان بوسنی و هرزگوین بسته اند و حقوقی مسلم یک ملت را در دفاع از خود از او سلب کرده اند. و بر این اساس دولت های اسلامی نتوانسته اند خواست قلبی خود را در ارائه کمک های صادقانه به مردم بوسنی و هرزگوین محقق سازند.

به نظر من از دولت های اسلامی این بهانه بیش نیست، سپید از مسلمانان بوسنی و هرزگوین به عنوان امانت سربلند و با افتخار در منطقه باید یاد کرد و سیاست و مجاهدت جوانان مسلمان بوسنی را در مقابل مهاجمان مورد تمجید باید قرار داد.

ولی وضعیت و شرایط بسیار بد مسلمانان مایه شرمندگی بشریت و تاریخ خواهد بود و مقابل آیندگان برای این کشتارها جوابی نخواهند داشت.

مردان و زنان قتل عام می شوند، و تجاوزات غیر انسانی نیز انجام می گیرد، سپس ایای اینها بشر و انسان نیستند، هستند، پس تنهامان مسلمان بودن این ها است و اعتصام بحیل الله یکی از بزرگترین اسلحه مستکبرین و کفر جهانی وجود آوردن اختلافات میان مسلمانان است ای مسلمان - محمد رسول الله - ابرقدرتها خودشان نمیتوانند میان مسلمین ظاهر شوند و تخم اختلاف را بپاشند، بلکه از راه خریدن و استعمار نمودن بعضی افراد بنا خود آگاه و بیای عقده مردم مسلمان را به چند مرتبه و مراحل بذرفاق را برای تضعیف قدرت مسلمانان پی ریزی میکند، مانند یاسر عرفات در فلسطین، با سلمان رشدی، تا از این طریق با عقائید و انانیت مسلمین چند صباحی دست بزنند.

بریدون لیطفئوا نور الله باقوا هم والله متم نوره - و یا از راه تهاجم فرهنگی - زیرا وقت فرهنگی غنی اسلام از میان مسلمانان برچیده شد، و فرهنگ کفر جهانی رواج گرفت، انوقت است که کفر جهانی بر مسلمانان مسلط، بلکه بر دل های مسلمین حکومت خواهد کرد، لاتهنوا ولا تحزنوا، بنا " ان المساجد لله - مسجدیاری و درگاه حضرت بل را به چه وضع خفقانسی در آوردند و هر روز شاهد شهادت برادران اسلامی کشمیر هستیم، چه کردیم؟

محمد رسول الله - اگر کفر جهانی ذی قدرت است ان الله قادر علی کل شیئی - بشرط اعتقاد، ان کید الشیطان کاضعيفا .

پایان

۱۳۷۲ / ۹ / ۵

قبول مردم افغانستان بوجود نیاید از خارج کسی کمک نمیکند، چه برای بازسازی افغانستان باشد و چه برای بنیه اقتصادی، چه برای بنیه فکری و فرهنگی باشد، لهذا این يك محصولی ثمری میباشد، هیاتی که از طرف کابینه تشکیل شده است و بیا زده پروژه ساختمانی برای ترمیم و فعال نمودن دانشگاه ترمیم شود و در همین جا فعال گردد، مانع هم برای این کار وجود ندارد - در جای دیگر باز گشائی دانشگاه عملی نیست برای اینکه شما خودتان يك فرد تحصیل کرده و انجنیر هستید و میدانید که در سها فرمولی دارد که باید کتابهای آن موجود باشد برای همان فرمول، کلاس درس آن طبق همان باشد این مسئله دکانداری نیست که يك آدم دکانی راتا، سین بکند و جای دیگر برود اجناس خود را بفروشد، این طبق همان فرمول و نقشه آن - ترتیب یافته و سابقه دارد، کتابهای مختلف علمی و پژوهشی جمع آوری شده است اسنادی - وجود دارد و باز گشائی آن در جای دیگر عملی نیست و کسانی که این مسئله را مطرح میکنند آنها مفرزند و نه به این مملکت اطمینان میکنند.

پایان

خبرگزاری دفتر مشهد حزب وحدت اسلامی

بقیه مصاحبه

دانشگاه کابل است، البته پوهنتون کابل با حضور شما و از طرف صدراعظم رسماً افتتاح شد ولی باز هم وزیر مشاور دولت جلسات را در قصر ریاست جمهوری دایر کرد که گویا میخواهند پوهنتون را افتتاح کنند، یعنی خارج از ساحه پوهنتون کابل و در جای دیگر و در این روزها شنیده شده که کمیته مرکزی که فعلاً " وزارت دفاع میباشد و در حال حاضر مولوی محمد نبی محمدی در انجام قرار دارد، برای پوهنتون کابل آنرا اختصاص داده است، در این رابطه اگر نظرتان را ابراز دارید از شما ممنون میباشم.

حضور شما عرض شود اینکه ما با خاطرات طرفداری باز گشائی دانشگاه و شروع دروس - محصلین مکرر اباریس دانشگاه جلساتی داشتیم از آنها تقاضا کردیم که دوباره دانشگاه را فعال نماید، اخیراً " که استادان دانشگاه همه را ملاقات کرده است در جیل السراج رفتند و آقای مسعود در ملاقات کردند، آقایان سیاف و ربانی را دیدند و جلسه طولانی و چند ساعته با آقای حکمتیار داشتند بعد اینها آمدند و متوافق

کردیم که دانشگاه افتتاح شود و دانشجویان پذیرفته شوند، در مسئله باز گشائی پوهنتون از همه دعوت شده بود که آقای حکمتیار هم در آن شرکت کرده بودند، ولی دوستان دیگر نیامدند و پوهنتون افتتاح شد، در هیات دولت این مسئله مطرح شد که چند روز بر موقوف گردید که کمیونی را برای ترمیم دانشگاه فعال نماید ولی اینکه آقایان این را در جای دیگر پوهنتون را انتقال دهند، این نه غلطی است و نه چیزی درست، این کار فقط نمیتواند یک برکه سیاسی برای جلب کمکها باشد، تا از این طریق مقابل رامتیم نماید و بگویند که اینها طرفدار باز گشائی دانشگاه نیست و من معتقدم که این کار عملی نیست، برای اینکه مردم شریف کشور امروز بخوبی میدانند و همه رسانه های بین المللی روزیکه دانشگاه در این جا افتتاح شد همه حضور داشتند و در این مورد صحبت هائی هم شد و تاکید شد که حتماً " پوهنتون باید فعال شود، روی این مسئله این برکه سیاسی هم ارزش را از دست داده که طرفی رامتیم نماید که طرفدار علم و دانش نیست و اینها نمیخواهد که علم و دانش باشد، از نظر اینکه کمک ها را جلب نماید این برکه هم دیگر سوخته است فعلاً آنها هم از این بهره برداری نمیتواند که ما میخواهیم پوهنتون را باز گشائی نمائیم و کمک جذب نماید تا اینکه امنیت و یک حکومت مورد



مسئولیت پذیری از نظر اسلام

خیر و صلاح دنیائی خود نیز استفاده نماید .
یابنی آدم خذوا زینکم عند کل مسجد و کل مینا
والشربواته لایحب المرفقین - دنباله آن
میفرماید : قل من حرم زینة الله التي اخرج
لعباده والطيبات من الرزق (۱۵)

براین اساس ، رهبران حکومت اسلامی نیز
طوری عمل نمایند که آنچه که به سعادت و
خوشبختی مسلمین در دنیا و آخرت بستگی دارد
مورد توجه قرار داده و در تمام امور کشور داری -
وبکارگیری قوانین و مقررات مملکتی خیر
و صلاح مردم را در نظر بگیرند .

۲ - برنامه ریزی صحیح اقتصادی و تقسیم بیت المال :

یکی از حقوق مسلم جامعه اسلامی بر
عهده رهبران و دست اندرکاران حکومت
اسلامی تأمین نیازمندیها ، تهیه امکانات
رفاهی ، راه اندازی مراکز تولیدی جهت رشد
و شکوفائی سرمایه های ملی و بالا بردن سطح
زندگی مردم و ایجاد چوسالم کار و کاری و ...
میباشد و علاوه بر آن بیت المال مسلمین و
اموال متعلق به آنان را بطور عادلانه و مساوی
تقسیم کرده و زمینه ای هرگونه سوء استفاده -
از بیت المال احتکار و زراندوزی ، اختلاس و رشو
و ... را از جامعه بردارند .

چه اینکه بخشی از اوضاع آشفته کشور و
بسامانیهای اجتماعی ، از تبعیض و بیعدالتی
و اختصاص یافتن امکانات عمومی و بیت المال
مسلمین برای عده ای بخصوص و در فقر و
محرومیت زندگی کردن بخش عظیمی از مردم
بوجود آمده و مانع از تشکیل جامعه سالم
و ابده آل خواهد بود .

لذا حضرت علی (ع) یکی از وظایف عمده
و اساسی رهبر و زمامدار اسلامی را برنامه ریزی
سالم اقتصادی و تقسیم عادلانه بیت المال
مسلمین در جامعه اسلامی ذکر می نمایند
(و توفیر فیئکم علیکم)

۳ - برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت : سومین حقی که علی (ع) از مردم بر عهده رهبر و حاکم اسلامی بر می شمارد : برنامه ریزی برای تعلیم و آموزش و تربیت جامعه و فرمانبرداران نظام اسلامی است و تعلیمکم کیلا تجعلوا ...

کسب علم و دانش از نظر اسلام بقدری
اهمیت دارد که در حدیثی رسول بزرگوار اسلام
(ص) بر هر مرد و زن مسلمان ، تعلیم و تعلم
انرا یک فریضه الهی میداند ، تعلیم و تعلم
به اندازه ای در اسلام اهمیت دارد که از نظر
قرآن شریف ، برنامه ۲۳ ساله پیامبر اکرم ص
برنامه تعلیم و تعلم است ، شهید ثانی
علیه الرحمه در رابطه با سوره علق که بنا بر
مشهور ، در ابتدای پیامبری بر حضرت نازل
شده است ، میفرماید : این سوره بمنزل
برائت و استجلال الهی است این سوره برنامه
۲۳ ساله پیغمبر اکرم (ص) را تعیین میکند

و میبینم قرائت ، قلم ، تعلیم ، تعلم ، معلم
و معلم در این سوره بوده است (۱۶) اقرء
وربک الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان
مالم یعلم .

در سوره جمعه ، خداوند بزرگد این
موضوع را بیان میکند : هو الذی بعث فی
الامیین رسولا منهم یتلووا علیهم الکتاب
والحکمه . (۱۷)

لذا باید زمامداران و رهبران حکومت
اسلامی ، قبل از همه چیر ، برای رشد فکری
و فرهنگی جامعه خویش برنامه ریزی نموده
و جهل و بیسوادی را که یک بلای خانمانسوز
اجتماعی است از کشور ریشه کن نمایند .

باتوجه به کلیات حکمانه حضرت
علی علیه السلام ، اگر اوضاع و شرایط سیاسی
و اجتماعی افغانستان را پس از حاکمیت
مجاهدین و رهبران احزاب اسلامی این کشور
مورد ارزیابی قرار بدهیم ثابت خواهد شد که
مع الاسف بر اثر بد عمل کردن و عدم توافق
انان ، تاکنون ، بجائی خیر خواهی برای ملت
مظلوم افغانستان و تأمین صلح و ثبات
در این کشور ، جز شدت جنگ و درگیری و
امنیتی و کشمکش و بجائی برنامه ریزی اقتصادی
و بالا رفتن درآمد مردم از طریق سیاست گذاری
اصولی و در نظر گرفتن اموال عمری و بیت المال
برای همه بطور مساوی ، جزو برانی و در بر داری
و بغارت رفتن امکانات دولتی و ملی و
اختصاص یافتن به حزب و گروه و طایفه ای -
خاص و بجای گسترش مراکز آموزشی و رشد علم
و فرهنگ در بین جامعه و تعمیر و نوسازی مدارس
جز تخریب و تعطیل مکاتب و مراکز فرهنگی
و بوجود آوردن حالت جنگی و ... در کابل
ارمغان دیگری برای ملت رنج دیده افغانستان
وجود نداشته است و در یک جمله ، بررسی
اوضاع آشفته کشور در این جا امکان پذیر نبوده
و بقول معروف این قصه سردراز طولانی دارد

حقوق رهبر و زمامدار اسلامی

۱- وفاداری به بیعت :
علی علیه السلام ، اولین حقی که رهبر و زمام
دار اسلامی را بر عهده مردم ، وفاداری و پایداری
بندی به بیعت آنان با حاکم اسلامی ذکر می
نماید که : چنانچه زمامدار و پادشاه جامع
اسلامی و سایر افراد کار گزار ، افراد و عناصر
مسلمان ، مؤمن ، عادل ، متقی ، متعهد
و خد متگزار باشد مردم تیر جهت تحکیم پایه
های حکومت و اجرای قوانین و مقررات اسلامی
و تطبیق عدالت اجتماعی در بیعت خویش
با آنان وفادار باقی بماند و اگر جامعه اسلامی
نسبت بر رهبران خود ساخته و خدمت گزار گسه
جز برای خیر و صلاح مردم و پیاده شدن احکام
الهی و بر چیده شدن ظلم و بیعدالتی و فساد
و بی بندوباری و بی دینی در کشور ، هدف دیگری
از حکومت و قبول مسئولیت ندارند کوتاهی
نموده و نقض نماید ، چنین جامعه ای بزودی -
در معرض سقوط قرار گرفته و در نتیجه ، ذلیل
و نابود خواهد شد و در روز قیامت نیز در پیشگاه
خداوند نسبت به بی تفاوتی و نقض بیعت
و عدم پای بندی به آن مورد مواخذه قرار خواهد
گرفت .

۲ - خیر خواهی :
حق دوم رهبر و پیشوای اسلامی بر عهده مردم

این است که در تمام حالات و اوضاع خیر خواهی
شانرا نسبت به زمامداران مسلمان و دارای صفات
رهبری حفظ نموده و در فراژ و نشیبها ، گرفتاری -
ها ، تهاجم بیگانگان ، بحرانهای سیاسی
و اجتماعی و ... در حضور و غیاب ، مراتب اخلاص
و دوستی خویش را به آنان ثابت نمایند و بدون
شک ، با بودن چنین رابطه ای نیک و خرد
پسندانه میان رهبران و ملت ، صلاحیت و کسار
آئی دستگاه حاکم را بیشتر نموده و قبول مسئولیت
جز خدمت مردم ، چیزی دیگری در پی نخواهد
داشت .

۳ - اطاعت و پیروی :

حق سوم رهبر و زمامدار اسلامی بر عهده مردم
این است که : در مناسبتهای مختلف ، دعوت
وی را پذیرفته و در همه موارد ، مردم بفرامین
و دستورات زمامدار و حاکم اسلامی عمل نمایند -

اطاعت و پیروی به فرامین و دستورات یک
زمامدار و اجد شرایط ، در فرهنگ و روایات
بعنوان یک وظیفه الهی تلقی شده و عدم
اطاعت از آن ضرر و زیانهای فراوان مادی و معنوی
را برای جامعه اسلامی در بر خواهد داشت .

یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم . (۱۸)

با این وصف ، اگر در کشور اسلامی افغانستان
فردی با افرادی عادل و متقی ، عالم و آگاه به
احکام الهی ، دارای لیاقت و شایستگی ، تعهد
و تدبیر و بینش سالم سیاسی و اجتماعی و ...
زمام امور مملکتی را بعهده گرفته و در هر شرایطی
برای بازگشت صلح و امنیت ، حاکمیت ملی
و مردمی در قالب حکومت اسلامی جامع و قابل
قبول و بدور از تعصبات گروهی و نژادی ، ریاستی
و مذ هبی تلاش نمایند اطاعت و پیروی از دستورا
انان برای مردم واجب بوده و برای حفظ نظم
و امنیت عمومی و رفع نظام لجاجت گسیختگی در
جامعه دفاع از این نوع حکومت و فرمانبرداری از
رهبران آن یک وظیفه شرعی و اسلامی خواهد بود .

و بدین لحاظ باید گفت که :

در این جا باید این نکته را تذکر داد که : ملت
مسلمان و دلیر افغانستان در طول ۱۴ سال
انقلاب بخوبی نشان داد که برای دفاع
از اسلام و ارزشهای والای اسلامی و بر چیده
شدن مظاهر شرک و الحاد و تشکیل حکومت
اسلامی و در راستای حمایت از رهبران جهادی
که مدعی پیاده کردن قوانین اسلامی در کشور
بوده اند صدها هزار شهید و دهها هزار معلول
و جانباز و میلیونها آواره و ... در دوران جهاد
حق طلبانه ، در راه رضای خدا تقدیم کرده اند
و شاید ملتی وفادار تر و مذ هبی تر از مردم مظلوم
افغانستان ، کمتر در جهان اسلام وجود داشته
باشد و اینک نوبت رهبران جهادی و اسلامی
است که با تشکیل حکومت اسلامی و برقراری -
صلح و امنیت و برنامه ریزی صحیح و اصولی
برای بازسازی کشور ، حق بس عظیمی ملت
مسلمان افغانستان را ادا نموده و قلب خونین
میلیونها انسان داغدار را التیام بخشند
انشاء الله .

پاروقیها : صفحه ۵



توجه : اخباریکه در ذیل مطالعه میفرمائید از خبرگذاری وحدت اسلامی کابل بوده که از طریق نمایندگی مشهد تهیه و ارسال شده است

جمعی از مسئولین بلندیایه ولایات ارزگان با استادمزاری دیدار نمودند :

حج اسلام اکبری معاون اول هیات ریاسته استاد واعظی، استاد امینی، استاد افکاری آقایان اسلامی و سجادی از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان از مسئولین و شخصیتهای برجسته ولایات ارزگان قبل از ظهر روز سه شنبه ۹۹ ر ۱۳۷۲ در اقامتگاه حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نموده و آخرین تحولات ارزگان را مورد بررسی قرار دادند، به گذارش خبرنگار خبرگذاری وحدت اسلامی درین دیدار در رابطه به اوضاع و مسایل جاری در ولایات ارزگان بحث و تبادل نظر صورت گرفت و برای حل معضلات موجود و بهبود وضعیت جاری تصمیمی اتخاذ گردید .

اعضای شورای مرکزی در ضیافتی که از سوی والی بغلان ترتیب یافته بود شرکت کردند :

به افتخار ورود اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان به کابل ظهر روز چهارشنبه ۹۹ ر ۱۳۷۲ - ضیافتی از سوی سید جعفر نادری والی بغلان در جماعت خانه عمومی مرکز اسماعیلیه در کابل ترتیب یافته بود که گذارش خبرنگار خبرگذاری وحدت اسلامی درین ضیافت حضرت آیت الله پروانی عضو شورای عالی نظارت ، حجت الاسلام والمسلمین استاد اکبری (معاون اول هیات ریاسته شورای مرکزی استاد خلیلی وزیر مالیه و جمعی از اعضای شورای مرکزی ، استاد توانا سیرت دارالانشاء جمعیت اسلامی ، دگر جنرال روزی و دگر جنرال فوزی از معاونین جنبش ملی اسلامی و تعدادی از اعضای کابینه شرکت داشتند و در پایان هدایای از سوی دگر جنرال سید جعفر نادری والی بغلان برای اعضای شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی داده شد و متقابلاً از سوی شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی تحایفی توسط استاد اکبری به والی بغلان اهدا گردید .

نیروهای شورای نظارت بامدافعان حزب وحدت اسلامی در چند اوج درگیر شدند :

نیروهای شورای نظارت اوایل شب جمعه با مدافعان حزب وحدت اسلامی در منطقه چند اوج درگیر شدند که باعث مجروح شدن تعدادی از افراد ملکی گردیدند ، به گذارش خبرنگار نظامی خبرگذاری وحدت اسلامی نیروهای شورای نظارت که قصد سرقت دکانهای آن منطقه را داشتند و باممانعت نیروهای حزب وحدت اسلامی مواجه شده و درگیری را آغاز

((طلوع وحدت))

چریده : سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی زیر نظر : کمیون فرهنگی مدیر مسئول : م ، ط حاج نظری مراکز بخش : دفاتر حزب وحدت اسلامی آدرس پستی : پس باکس نمبر ۱۲۲ - کویته پاکستان

گزارشات خبری، دید و بازدیدها

نمودند ، این درگیری که بمدت یکساعت بطول انجامید تنها یک نفر از شورای نظارت مستقر در تپه های شاه نجف شرکت داشتند و بقیه نیروهای شورای نظارت مستقر در جاده و شفاخانه میبوند از درگیری خودداری کردند ، سارقان شورای نظارت که از منطقه سالنگ میباشند وقتی که زیر ضربات مجاهدین حزب وحدت اسلامی قرار گرفتند عمداً بالای یکی از پسته های شورای نظارت که در درگیری دخالت نداشتند چندین فیراکت انجام دادند که تا در درگیری شرکت کنند که در نتیجه یک ساختمان سه منزله با ۴۵ اتاق و پنج دکان طعمه حریق گردیده و بکلی تخریب شد ، بر اثر فیراکت نیروهای شورای نظارت ، بالای پسته فوق بکتن از نظامیان شورای نظارت بالای مناطق مسکونی زخمی شدند ، طبق این گذارش پس از وقوع حادثه نمایندگان هیات صلح حزب وحدت اسلامی و شورای نظارت منطقه زفته و با قوماندان دو طرف مذاکره کرده و تنش سرزنانا فزودند ، در جریان بازدید نمایندگان هیات صلح از منطقه قوماندانها یک از شورای نظارت در جنگ شرکت نداشتن از سارقین همگس شورای نظارت شکایت نموده و از مقامات شورای نظارت خواستند تا در مورد تبدیلی نیروهای فوق اقدامات لازم را بعمل آورند ، مقامات شورای نظارت نیز وعده دادند درین باره تصمیم اتخاذ خواهند کرد .

نمایندگان حزب وحدت اسلامی روز سه شنبه ۹۹ ر ۱۳۷۲ وارد خارطوم پایتخت سودان شدند

حجت الاسلام والمسلمین ذکی و محقق زاده از اعضای شورای مرکزی حزب وحدت ۰۰۱ بمنظور شرکت در کنفرانس جنبشهای آزادیبخش اسلامی روز سه شنبه ۹۹ ر ۱۳۷۲ - وارد خارطوم پایتخت سودان گردیدند ، به گذارش خبرنگار خبرگذاری وحدت اسلامی از پیشاور پاکستان نمایندگان حزب وحدت ۰۰۱ و حزب اسلامی ، جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی روز سه شنبه اسلام آباد را بمقصد خارطوم ترک گفتند ، طبق این گزارش محمد صدیق چکری عنایت الله شادان و محمد حسین ارجمعیست اسلامی ، انجنیر قطب الدین هلال ، حاج فرید قریب الرحمن سعید و نواب سلیم از حزب اسلامی و احمد شاه احمدی از اتحاد اسلامی شرکت داشت ، بنابه گزارشهای رسیده تاکنون بیش از پانصد تن از رهبران و نمایندگان احزاب و جنبشهای آزادیبخش اسلامی وارد خارطوم شده اند و طی کنفرانس دو روزه که از چهارشنبه در هتل هر قوم خارطوم گشایش می یابد شرکت خواهند کرد و مسایل جاری مربوط جهان اسلام را مورد بحث و بررسی قرار داد و برای راه حل بحران های موجود در بعضی از کشورهای و مناطق مسلمان نشین تصمیمی اتخاذ گردید و راه حل های پیشنهاد خواهد شد ، این طرح به ابتکار داکتر حسن ترابی شخصیت برجسته سودان ترتیب یافته است .

مرکز ولسوالی طیوره ولایت غوره تصرف حزب اسلامی درآمد :

خبرنگار تلویزیون پیام آزادی حزب اسلامی شب پنجشنبه ۹۹ ر ۱۳۷۲ از ولایت غور گزارش

داد ولسوالی طیوره از کنترل نیروهای جمعیت اسلامی خارج شده و به تصرف نیروهای حزب اسلامی درآمد ، این گزارش می افراید نیروهای تورن اسماعیل خان که چندی قبل مسئله توسعه نفوذ خود را در ولایات غرضی و جنوب غرب کشور مبادرت ورزیده بود و طی آن در بعضی مناطق با موفقیت ها می رو برود شده بود اما نیروهای حزب اسلامی در روزهای اخیر موفق شدند ، نیروهای اسماعیل خان را از ولسوالی طیوره خارج ساخته و بعلاوه تلفات زیاد بر نیروهای اسماعیل خان وارد آمده است ، بمقادیر زیادی سلاح و مهمات به غنیمت حزب اسلامی درآمد است که در میان آنها سه دستگاه توپ ثقیل نیز دیده میشود .

اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی در اجلاس مشترک

اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی حزب وحدت اسلامی بعد از ظهر روز چهارشنبه طی اجلاس مشترک به ریاست حجت اسلام والمسلمین استاد مراری دبیر کل حزب وحدت اسلامی در مقر مرکزی این حزب آخرین تحولات سیاسی و نظامی کشور را مورد بحث و بررسی قرار داده و تصمیم مشخص و مقتضی اتخاذ نمودند .

به گذارش خبرنگار خبرگذاری وحدت اسلامی اجلاس که با تلاوت آیات از کلام الله مجید آغاز یافته بود نخست حضرت آیت اله شیخ زاده غزنوی سرپرست هیات اعزامی به ولایت غرضی گزارش مشروعی از جریان فعالیت های هیات را به استحضار اعضای شورای عالی نظارت و مرکزی رسانیده و در مجموع نتایج سفر را مثبت و مفید ارزیابی نمود ، سپس آخرین روخدا های سیاسی ، نظامی جاری کشور و گزارشات واصله از درگیری موجود در ولایت و تگاب و نجراب مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورای مرکزی قرار گرفته و از ادامه جنگ در شرق کشور ایران نگرانی عمیق گردید و اظهار امیدواری بعمل آمد که اطراف درگیر بادرک موقعیت حساس و خطیر کشور بلا دیده افغانستان راه حل های منطقی و بدور از خشونت را جستجو نمایند .

اعضای شورا همچنین آخرین اکتشافات سیاسی جاری کشور را مورد تحلیل قرار داده و در قبال قضایای جاری تصمیم لارم و مشخص اتخاذ کردند

مهاجرین افغانی مستقر در ایران می توانند از طریق هوا به کشور بازگردند :

استاد خلیلی وزیر مالیه و عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی روز سه شنبه طی مصاحبه مطبوعاتی در دفتر کارش اعلام کرد مهاجرین افغانستان مستقر در ایران میتوانند از طریق فضا توسط طیارات مسافربری به کشور خود باز گردند به گذارش خبرنگار خبرگذاری وحدت اسلامی و بنقل از رادیو دری مشهد ، استاد خلیلی درین مورد گفت ، قیمت تکت طیاره مسافر